

زمینه‌های مؤثر در تعیین مسئولیت اعضای سازمان جهانی تجارت

مجتبی مروت *

چکیده

در سازمان جهانی تجارت، موافقت‌نامه‌هایی در خصوص تجارت کالا، خدمات و مالکیت معنوی وجود دارد که حجم مبادلات اقتصادی و قاعده‌مندسازی تجارت بین‌المللی را افزایش داده است. منصرف از ماهیت و مفاد موافقت‌نامه‌ها، اساساً نظام مسئولیت قراردادی اعضای سازمان که عمدتاً در تفاهم‌نامه حل اختلاف تبیین شده، ترکیبی از حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه مسئولیت دولت‌ها و حقوق معاهدات است. در این گونه موارد هرگونه زوال منفعت عضو دیگر یا لطمه به آن یا عدم امکان دسترسی به اهداف موافقت‌نامه‌ها، باعث طرح مسئولیت علیه عضو خاطی می‌شود. به تعبیر دقیق‌تر، زمانی که اعضا با تخلف عضو دیگری مواجه می‌شوند، دوگونه جبران مطرح می‌شود: الف) جبران‌های نهایی که همان اصل تبعیت از مقررات موافقت‌نامه‌هاست که به‌صورت استرداد یا اصلاح اقدامات اجرایی، تقنینی و قضایی متضاد با قواعد سازمان است؛ ب) توسل به جبران‌های موقتی همچون پرداخت غرامت، اقدامات تلافی‌جویانه در قالب تعلیق تعهدات یا سایر امتیازات؛ به‌شرط آنکه جبران نهایی به‌تنهایی موفقیت‌آمیز نباشد. در این مجال، با توجه به ارکان مسئولیت بین‌المللی یعنی قابلیت انتساب و نقض تعهد، مهم‌ترین عواملی که همواره به‌هنگام طرح مسئولیت اعضا، مدنظر است و به‌نوعی مخرج مشترک قواعد سازمان در زمینه جبران - اعم از جبران موقت، نهایی یا تجاری - تلقی می‌شود، تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین به نظر می‌رسد این عوامل و زمینه‌ها در ارتباطات میان عضو خاطی و شاکی، در نحوه تصمیم‌گیری هیئت‌های حل اختلاف و رکن استیناف در جهت‌گزینش شیوه‌ای از جبران، مداخلت دارد.

واژگان کلیدی

سازمان جهانی تجارت، مسئولیت، جبران، زوال منفعت، لطمه به منافع، تناسب، تفسیر، کارآمدی

مقدمه

امروزه اهمیت و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی بر کسی پوشیده نیست و سخن‌گفتن از «حقوق سازمان‌های بین‌المللی» و چگونگی روابط حاکم بر اعضای آن‌ها، جزئی از حقوق بین‌الملل معاصر است. در این راستا، نظر به ایجاد شاخه‌ای به نام «حقوق سازمان جهانی تجارت»^۱ باید بیان داشت که مقررات حاکم بر سازمان جهانی تجارت، از یک سو منشعب از حقوق سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه از منظر شخصیت، مسئولیت، مزایا، مصونیت‌ها و اشتغالات است و از طرف دیگر، برگرفته از اقتضات حقوق بین‌الملل اقتصادی و تجارت بین‌المللی است. به بیان دیگر، نظام حقوقی حاکم بر سازمان، در خلاً به‌وجود نیامده بلکه مصداقی از «حقوق بین‌الملل خاص»^۲ است که البته عده‌ای نیز آن را در قالب یک «رژیم خودبسنده»^۳ تعریف نموده‌اند.

اگرچه این چندوجهی بودن مقررات سازمان، باعث ایجاد همکاری بین کشورها و نهادهای ذی‌ربط می‌شود، درعین حال نیز می‌تواند باعث بروز تعارض میان تعهدات قراردادی و غیرقراردادی اعضا نیز بشود یا زمینه‌های نقض تعهدات را فراهم سازد. در چنین فضایی، تشکیل سازمان و تعبیه سازوکار حل اختلافات در آن، نقطه‌عطفی در روابط و حقوق بین‌الملل اقتصادی و تجاری به‌شمار می‌رود؛ به‌طوری‌که فراگیر بودن سازمان، چه از نقطه‌نظر اعضا^۴ و چه از منظر قلمرو موضوعی بر اهمیت این نهاد افزوده است.^۵

در تحقیق حاضر، با در نظر گرفتن عناصر و ارکان مسئولیت در سیاق موافقت‌نامه‌های سازمان و همچنین با فرض آشنایی با مفاهیم مرتبط با شیوه‌های جبران در دسترس اعضا، مهم‌ترین عواملی که طرفین دعوا، هیئت‌های حل اختلاف، رکن استیناف و سایر ارکان، در اثر زوال یا لطمه به منافع اعضا، همواره در مناسبات و محاسبات خویش مورد توجه قرار می‌دهند، تشریح می‌شود. به عبارت دیگر، به هنگام تخلف از یک مقرره، برخی از اصول بنیادین به‌کاررفته در سازمان و

1. World Trade Organization Law (WTO Law)

2. *Lex specialis*

3. Self Contained Regime

۴. موافقت‌نامه‌های سازمان در برگیرنده اسناد حقوقی مختلفی است که موضوعات متعددی همچون کشاورزی، منسوجات، تجارت خدمات، خریدهای دولتی، قواعد مبدأ، صدور مجوزهای ورود، ارزشگذاری گمرکی، یارانه‌ها، موانع فنی تجارت، سرمایه‌گذاری، آنتی دامپینگ، مالکیت فکری، حل اختلافات و غیره را در بر می‌گیرد. موضوعات و حوزه‌های جدیدی نیز شامل شفافیت در خریدهای دولتی و تسهیل تجاری، تجارت الکترونیک نیز در دستور کار مذاکرات دور (دور دوحه) قرار دارند که محدوده و دامنه قواعد و مقررات سازمان را گسترش می‌دهد. از سوی دیگر علاوه بر پوشش موضوعی گسترده، از نظر تعداد اعضا نیز شاهد وسعت قلمرو جغرافیایی می‌باشیم؛ چرا که تعداد اعضا سازمان تا ۲ ژانویه ۲۰۱۴ تعداد ۱۵۹ کشور و همچنین تعداد اعضا ناظر که خواهان عضویت و الحاق به این سازمان می‌باشند، تعداد ۲۵ کشور می‌باشد. ن.ک:

www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm, last visited on 2 Jan 2014.

۵. بخش اطلاعات و روابط رسانه‌ای سازمان تجارت جهانی، تجارت در آینده (درآمدی بر سازمان تجارت جهانی)، چاپ دوم، ترجمه: محمدجواد ابروانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۳، ص ۱.

همچنین اصول عاریت‌گرفته‌شده از حقوق بین‌الملل عام، نقش برجسته‌ای در ارائه تفاسیر و همچنین ارجاعات هیئت‌های حل اختلاف دارند. وجود این زمینه‌ها در زمان طرح مسئولیت اعضاء، روح کلی حاکم بر روابط متقابل اعضا را شکل می‌دهد؛ این امر به‌ویژه در مواردی که صدمه‌ای به عضو دیگر وارد شود و عضو شاکی از تمتع یا استیفاء منفعتی محروم شود، مشهودتر است. در این میان، جایگاه اصل تبادل منافع^۶ به قدری رفیع است که به‌عنوان موازنه‌ای جهت برقراری تعادل در روابط متقابل اعضای سازمان به کار می‌رود؛ تاجایی که هرگونه خدشه به موازنه موجود، باعث ایجاد مسئولیت برای عضو خاطی و در نتیجه اعمال جبران‌های تجاری یا قضایی می‌شود. با توجه به جایگاه رفیع اصل مزبور که حقیقتاً مجال تحقیق دیگری را می‌طلبد، ذیلاً به تبیین و تشریح اهم عوامل مؤثر در میزان مسئولیت اعضا می‌پردازیم و در خلال مباحث مطروحه نیز نگاهی به اصل تبادل منافع می‌افکنیم. قبل از ورود به بحث لازم است در خصوص عنصر زوال یا لطمه به منافع اعضا و ایجاد مانع جهت نیل به اهداف یک موافقت‌نامه - که اصولاً در نتیجه سرپیچی از قواعد و اصول سازمان به وجود می‌آید - مطالبی بیان شود.

۱. زوال منافع اعضا یا لطمه به آن

با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین اشکال تقابل میان حق و تکلیف، تخلف از قواعد یا نقض مقررات است، حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه مسئولیت، ارکان مسئولیت را بر دو پایه عنصر عینی و ذهنی (قابلیت انتساب) و (نقض تعهد) استوار نموده و به عنصر ورود ضرر یا تقصیر، توجه چندانی ننموده است. بر این مبنای، تخلف از یک تعهد بین‌المللی، با در نظر گرفتن ماهیت تعهد و منشأ آن، ابعاد مختلفی دارد. به‌طور مثال، این نقض می‌تواند جزئی یا گسترده باشد، یا به‌صورت بالقوه یا بالفعل، منافع سایرین را به خطر اندازد یا می‌تواند ناشی از نقض قواعد آمره بین‌المللی باشد. اما در هر صورت، نقض تعهد از قاعده حقوق بین‌الملل عام، ذیل عنوان «مسئولیت بین‌المللی» مطرح می‌شود و این امر نیز از بدیهیات حقوقی است که به‌موجب آن، دولت ناقض قاعده بین‌المللی، موظف است خسارات ناشی از این نقض را در قبال دولت دیگر جبران کند.^۷ این نوع تحلیل در موافقت‌نامه‌های سازمان، به این شکل واحد وجود ندارد زیرا اصولاً معیار تخلف از قواعد سازمان «زوال یا لطمه به منافع»^۸ اعضا یا «عدم دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده

6. Reciprocity

۷. برای تحقق مسئولیت بین‌المللی یک دولت از منظر حقوق بین‌الملل، به وجود چهار شرط تصریح شده است: نقض تعهد بین‌المللی توسط دولت؛ تحقق ضرر و زیان در طرف دیگر؛ وجود رابطه سببیت بین عمل دولت و ضرر وارده؛ قابلیت انتساب عمل زیان‌آور به دولت یا یکی از ارگان‌های مسئول و وابسته به آن. اما کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مواد مسئولیت دولت‌ها، ارکان انتساب و نقض تعهد را کافی به مقصود دانسته است.

8. Nullification or Impairment of Benefits

موافقت‌نامه‌ها» است که بر اساس تعریف منافع عضو زیان‌دیده، در لوای اصل تبادل منافع، تفسیر و در صورت دادخواهی عضو متضرر نیز طرق جبرانی را مطرح می‌سازد. از این رو در سازمان جهانی تجارت، مفهوم «زوال منفعت» یا «لطمه به منافع» اعضا میباید عنصر مادی مسئولیت و دربردارنده یک مفهوم بنیادین و کلی است که باعث ایجاد رابطه منظم و خودکار میان دو یا چند عضو می‌شود و اصولاً بر همین اساس، عضو متخلف از عضو متضرر تمیز داده شود.

اهمیت و جایگاه این موضوع، در مفهوم و میزان لطمه به منافع نهفته است زیرا مفهوم «زوال یا لطمه به منافع» معیاری برای سنجش تبعیت اعضا از موافقت‌نامه‌های تحت پوشش است که با نقض همراه با خسارت، پیوند ناگسستنی دارد. از این رو، با توجه به مواد ۲۲ و ۲۳ گات ۹۴ شکایت‌های ناشی از تجارت کالا در ذیل مفهوم «لطمه یا زوال منافع» تحت سه قالب کلی شکایت‌های مبتنی بر نقض،^۹ شکایت‌های غیرنقض^{۱۰} و موقعیتی،^{۱۱} طبقه‌بندی شده‌اند. همچنین این سه نوع شکایت در زمان طرح دعوا، ذیل عنوان «عدم دستیابی به اهداف مقرر در موافقت‌نامه» نیز قابلیت اعمال دارند.

شکایت‌های مرتبط با نقض، می‌تواند در سیاق گات، گاتس یا تریپس اعمال شود.^{۱۲} به‌طور نمونه، نقض اصل ملت‌های کامله‌الوداد یا شرط رفتار ملی و شفافیت در گات، بیشترین موارد تخلف ناشی از گات را تشکیل می‌دهد. در گاتس نیز یک عضو ممکن است تعهد نماید تا به حقوق دانان خارجی اجازه انجام مشاوره بدهد. سپس تصمیم بگیرد صرفاً حقوق دانان داخلی آن فعالیت را ارائه دهند؛ یا براساس تریپس، یک عضو متعهد می‌شود که حمایت از کپی‌رایت برنامه‌های رایانه‌ای را فراهم سازد؛ اما متعاقباً تصمیم بگیرد که مقامات محلی مجاز باشند که نسخه‌هایی از برنامه‌های رایانه‌ای خارجی برای مقاصد خاص، کپی‌برداری نمایند. اما نکته مهم آن است که متن موافقت‌نامه‌های سازمان، همیشه به‌صورت واضح، مفهوم نقض را روشن نمی‌سازند بلکه مفهوم نقض، عمدتاً طی آیین حل‌وفصل اختلاف و قواعد ناشی از تفاهم‌نامه حل اختلاف، به بحث گذاشته می‌شود.^{۱۳}

با توجه به اینکه معیار بسیار موسعی، تحت عنوان «زوال یا لطمه به منافع» یا «عدم دستیابی به اهداف موافقت‌نامه» منشأ آثار عدیده حقوقی فی‌مابین اعضا با یکدیگر و همچنین اعضا با سازمان می‌شود، به نظر می‌رسد چنین انتخابی توسط مؤسسين سازمان، با ذات تعهدات و

9. Violation complaint

10. Non-violation complaint

11. Situation complaint

۱۲. لازم به ذکر است که در رویه ناشی از گات ۴۷ در ذیل اصل مشروعیت یا انتظارات معقول، منافع و میزان لطمه به آن، تبیین شده و رویه گات در این خصوص می‌تواند به تشریح بیشتر حدود و ثغور و دامنه این مفهوم کمک نماید.

13. Arup, Christopher, *The New World Trade Organization Agreements, Globalizing Law through Services and Intellectual Property*, First Pub, Cambridge Press, 2001, p. 71.

امتیازات تجاری متقابل و اصل تبادل منافع، همخوانی داشته باشد زیرا به‌جای اینکه در هر موافقت‌نامه‌ای، ضمانت‌اجراهای ناشی از نقض قاعده اولیه بیان شود، راحت‌ترین راه برگزیده شده است چرا که پس از بیان یک سری قواعد و مقررات و اصول کلی تجاری چندجانبه، در ماده ۲۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف مقرر شده که صرف اینکه در اثر اقدام اجرایی، تقنینی یا قضایی یکی از اعضا، منفعت یا امتیازی از عضو دیگر، زائل یا ساقط شود یا حتی لطمه ببیند، عضو مربوط را به «عضو مسئول» مبدل می‌سازد و سپس حق استفاده از جبران‌های تجاری یا تعهد به رجوع به تفاهم‌نامه حل اختلاف، مطرح می‌شود. در این راستا نیز تفاهم‌نامه، با اعطای صلاحیت (شبه) قضایی به مراجع ذی‌صلاح سازمان، به تعیین اصول راهنما، جدول زمان‌بندی حل اختلاف، چگونگی رجوع طرفین به مراجع حل اختلاف (به‌صورت ترافیعی) پرداخته و نحوه اجرای گزارش‌ها و توصیه‌ها را تشریح نموده است.

از سوی دیگر، میان قواعد مسئولیت اعضای سازمان نیز سلسله‌مراتبی وجود دارد که آن را از نظام مسئولیت در حقوق عرفی متمایز می‌کند.^{۱۴} توضیح اینکه شیوه‌های جبرانی سازمان، اعم از موقت و نهایی، شامل اعاده وضع به حالت سابق، پرداخت غرامت و تعلیق تعهدات یا سایر امتیازات، نقش بسزایی در بهبود روابط بین عضو شاکی و خاطی و اعاده موازنه ایفا می‌کند. از این‌رو، جبران، مفهوم کیفی و مبتنی بر سلسله‌مراتب دارد که با توجه به کارکرد و اهداف موافقت‌نامه مربوطه، متفاوت است زیرا آنچه مسلم است این است که نقض موافقت‌نامه‌ها، پایان‌دهنده روابط تجاری اعضا نیست و بحث تعلیق و اختتام کلیه موافقت‌نامه‌ها، هیچ‌گاه مطرح نمی‌شود بلکه نقض در قالب مقررات سازمان، حالت موقت داشته و باید در اولین فرصت، روابط تجاری صحیح و منطبق با اصول سازمان از سر گرفته شود. بنابراین جبران خسارت نیز چه در مفهوم عام خود و چه در مفهوم خاص خود، دارای شدت و حدت حقوق بین‌الملل عام نیست بلکه تعهد به جبران نهایی یعنی مذاکره جهت اعطای فرصت، اولاً و بالذات در تعیین شیوه جبران، تأثیر بسزایی دارد.^{۱۵}

۱۴. لازم به توضیح است که برخی خلأها و موضوعاتی که در طرح مسئولیت دولت‌ها تدوین نشده و در قواعد قراردادی سازمان وارد شده، تا حد زیادی تغییر یا تعدیل شده است. به‌طور نمونه، تعیین محتوای قواعد اولیه، چگونگی لازم‌الاجرا بودن تعهدات برای اعضای سازمان، آثار و نتایجی که از غیر از ارتکاب فعل متخلفانه به بار می‌آید از قبیل ماده ۶ کنوانسیون وین ۶۹ در خصوص تعلیق یا خاتمه معاهده به دلیل نقض اساسی آن و مواردی همچون مسئولیت ناشی از اعمال منع‌نشده. بنابراین نقض تعهد قراردادی، بر اساس تفسیر موافقت‌نامه‌های موجود، صورت می‌پذیرد و تبیین آثار نقض، با عناصری همچون کارآمدی، تناسب، تفسیر، لزوم جبران خسارت، با هدف بازدارندگی و تأمین امنیت روابط حقوقی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

۱۵. در صورتی که رژیم حقوقی حاکم بر سازمان را رژیم خودبسنده و خودسامان بدانیم که با وجود نهاد حل اختلاف، جلوی نقض و اقدامات خودسرانه را می‌گیرد، نهاد حل اختلاف، نهاد احرازکننده نقض تعهد است و در وهله اول، فرصت اعاده وضع به حالت سابق می‌دهد و در قدم آخر، تحت شرایط خاص، مجوز اقدامات تلافی‌جویانه را در حوزه‌های مشخص شده و با

۲. اصل تناسب و شیوه‌های جبران

ارکان سازمان اصول «تناسب»، «ضرورت» و «تعادل» را در معانی مشابهی استفاده نموده‌اند اگرچه معنا و ارتباط سه واژه فوق، همیشه واضح نیست و مجادلات نظری در این خصوص، در سطح ملی و بین‌المللی، دیپلماتیک، سیاسی، قانونگذاری و حتی درون نظام حل اختلاف وجود داشته و دارد. لکن اثر اصل تناسب در آزادسازی تجارت از یک‌سو و ورود آن به عرصه جبران‌های سازمان از سوی دیگر، مورد توجه این مجال است.^{۱۶} و^{۱۷}

۲-۱. مفهوم و جایگاه اصل تناسب

اگرچه از اصل تناسب به‌عنوان مفهوم بنیادین یاد می‌شود لکن کارکرد، عوامل متشکله و دامنه اعمال آن، اغلب نیاز به توضیح دارد. از این منظر، اصل موصوف، یک مفهوم حقوقی استاندارد شده نیست و تا حد بسیار زیادی، بستگی به رژیم حقوقی دارد که در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما عموماً کارکردهای اصل مزبور می‌تواند در قالب تعادل میان منافع تجاری و غیرتجاری اعضا به شکل کنترل و محدودیت احتیاطی،^{۱۸} موازنه در حقوق و منافع متعارض،^{۱۹} معیاری برای بازنگری قضایی^{۲۰} در نظر گرفته شود. لذا باوجود ملاحظات نظری و اختلاف‌نظرها در اصل تناسب، معنای متداول تناسب، چگونگی، خصوصیت یا واقعیت مقارنی است که در تعیین تشابه در میزان، اندازه و مقدار و مانند آن، استعمال می‌شود. ورود اصل فوق از طریق الفاظی همچون «تعادلی ضروری»، «متناسب»، «اعمال محدودیت تجاری کمتر» و «برابر» وارد نظام حقوقی سازمان شده است. عده‌ای دیگر نیز اصل تناسب را رابطه معقول یا متعادل میان یک هدف و وسایل رسیدن به آن دانسته‌اند.^{۲۱}

شرایط تعیین‌شده صادر می‌نماید. در اینجا، صرف ایجاد بستری برای مذاکره و مشاوره طرفین اختلاف، برای نهاد مزبور کفایت می‌کند و چه بسیار پرونده‌هایی که از این رهگذر، حل‌وفصل شود. با داشتن این ویژگی‌ها، نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، با درنظرداشتن ماده ۵۵ طرح مسئولیت، یک نظام خاص است که جبران‌هایی موقت و نهایی را برای عضو قربانی فراهم می‌کند.

16. Andenas Mads, and Zleptnig Stefan, "Proportionality: WTO Law", in *Comparative Perspective*, Available at: <http://www.tilj.org/contentjournal/42num3Andenas-Zleptnig371.pdf>

17. توجه مضاعف به اصل موصوف در عرصه سازمان تجارت جهانی، به سال ۲۰۰۱ و مقاله *اکسل دسمیت* بازمی‌گردد. وی که به بحث تناسب در حقوق سازمان توجه بیشتری نمود، به این نتیجه رسید که اصل تناسب واحد و نانوشته‌ای در حقوق سازمان وجود ندارد. لذا ممکن است اصل تناسب، صور متفاوتی پیدا کند.

18. Control and Limitation of Discretion

19. Balancing of Conflicting Rights and Interests

20. Standard for Judicial Review

21. Kirk, Jeremy, "Constitutional Guarantees, Characterization and the Concept of Proportionality", 21 *Melbourne University Law Review*, (1997) 1, p 2.

اصل تناسب و تبادل منافع، دو روی یک سکه هستند.^{۲۲} در این مفهوم، تناسب، «برابری وصف یا حقیقت متناسب بودن» است که در اصطلاح به‌عنوان «مشابه‌بودن در درجه، اندازه، میزان و ...» تعریف شده است. از این‌رو تناسب در مفهوم عام، به‌عنوان یک اصل عمومی که دربردارنده توازن میان منافع متعارض در هر نهاد حقوقی است، تلقی شده و در مفهوم خاص، چگونگی جبران یا ارزیابی نقض‌ها یا انحرافات از اهداف یا تخطی از قواعد در نظر گرفته شده است.^{۲۳} اما در مجموع به نظر می‌رسد در تشکیل ارکان اصل تناسب، علل و عواملی مدخلیت داشته باشند که می‌توان آن‌ها را در موارد ذیل خلاصه نمود:

الف) شایستگی^{۲۴} یا مناسب بودن در اصل مذکور اقتضا دارد که رابطه سببیت میان اقدام و هدف وجود داشته باشد؛ ب) ضرورت^{۲۵} که در اینجا به معنای اعمال «کمترین محدودیت بالقوه»^{۲۶} در مناسبات تجاری است؛ ج) تناسب در مفهوم مضیق^{۲۷} دربردارنده آن است که آیا آثار یک اقدام، در ارتباط با منافع متنازع‌فیه، غیرمناسب یا مشدده است یا خیر.^{۲۸}

۲-۲. تجلی اصل تناسب در موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت

در حقوق بین‌الملل عام می‌توان انعکاس اصل تناسب را در اقدامات متقابل، استفاده از زور در مخاصمات مسلحانه و تحدید حدود دریایی مشاهده نمود. به‌طور نمونه ماده ۵۱ طرح مسئولیت دولت‌ها مقرر می‌دارد که «اقدام متقابل باید متناسب با ضرر وارده باشد و باید وسعت و شدت عمل متخلفانه و حقوق موجود را در نظر داشت». این اصل در آرای متعدد بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور نمونه، دیوان در قضیه گابچیگو ناگیماروس اشعار داشت که: «آثار عمل متقابل باید متناسب با زیان وارده باشد و حقوق مربوطه را لحاظ نماید. این تناسبی است که حقوق بین‌الملل مقرر می‌دارد».^{۲۹} اما در سیاق مقررات و رویه ارکان سازمان جهانی تجارت سازمان جهانی تجارت می‌توان در موارد مختلفی مصادیق آن را مشاهده نمود مانند انتظارات عمومی موضوع ماده ۲۰ گات، تعهدات مثبتة تحمیلی بر اعضا توسط موافقت‌نامه بهداشتی و

22. See Grieg, "Reciprocity, Proportionality, and the Law of Treaties", 34 *Virginia J. Int'l Law* (1994) 295, pp. 322-324.

23. زمانی، قاسم؛ «جایگاه اصل تناسب در سازمان تجارت جهانی»، پژوهش حقوق و سیاست، سال ۱۱، ش ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۰۶.

24. Suitability

25. Necessity

26. Least restrictive alternative

27. *Strcto sensu*

28. *Proportionality and Balancing in WTO Law: A Comparative Perspective*, EAIEL Policy Paper No. 2 November 2006, p. 389. Available at: <http://www.law.hku.hk/researchdocuments>. Last visited on: 5 July 2014.

29. Andrew, D. Mitchell, "Proportionality and Remedies in WTO Disputes", *EJIL* (2006), vol. 17 No.5, P. 991.

موانع فراروی تجارت. در حوزه جبران‌های تجاری نیز موافقت‌نامه‌های یارانه‌ها، ضد قیمت‌شکنی و حفاظت‌ها و اقدامات جبرانی در این خصوص حاوی مقررات میسوطی است.^{۳۰}

اصولاً اصل تناسب در قالب جبران‌ها، به دو شکل یعنی در جبران‌های چندجانبه و جبران‌های دوجانبه جلوه‌گر می‌شود. به بیان دقیق‌تر، اصل تناسب هم در موضوع تعلیق امتیازات یا تعهدات هم‌تراز با منافع زوال‌یافته و هم در قالب رعایت تناسب در اعمال جبران‌های تجاری، نماد خارجی پیدا می‌نماید.^{۳۱} لکن به نظر می‌رسد تفاوت اصل تناسب در حقوق بین‌الملل عام با آنچه در موافقت‌نامه‌های سازمان وجود دارد، متفاوت باشد زیرا اولاً در بحث تعلیق امتیازات در حقوق سازمان جهانی تجارت، برخلاف حقوق بین‌الملل عام، به‌جای آنکه تمرکز بحث تناسب بر قابلیت مجازات عامل باشد، بر ضرر وارده و عکس‌العمل عضو قربانی است؛^{۳۲} علت اصلی این امر از یک‌سو ناشی از حکومت اصل تبادل منافع و برقراری موازنه میان منافع اعضا است و از سوی دیگر، به‌علت نگرشی است که موافقت‌نامه‌های سازمان به این جبران دارند و از همین روست که ماده ۲۳ تفاهم‌نامه، اقدام مقابله به مثل «مشابه»، «هم‌عرض» و «غیر هم‌عرض» را علیه عضوی که از اجرای گزارش‌ها و توصیه‌های هیئت حل اختلاف تمرد می‌کند، اجازه می‌دهد و در این راستا اقتضائات کمی و کیفی برای آن مقرر داشته؛ ازجمله آنکه تعلیق امتیازات یا تعهدات مشروط به کسب مجوز قبلی و آن‌هم صرفاً به‌عنوان آخرین اقدام علیه عضو متمرّد به کار رود.^{۳۳}

ثانیاً، بسته به ادبیات موافقت‌نامه تحت پوشش، آثار اعمال اصل تناسب، متفاوت است.^{۳۴} در خصوص جبران تجاری - موضوع موافقت‌نامه‌های یارانه‌ها، اقدامات ضد قیمت‌شکنی، حفاظت‌ها و اقدامات جبرانی - بیشترین اصطکاک با اصل تناسب به‌وجود می‌آید.^{۳۵} به‌طور نمونه ممکن است

30. See: de Búrca, "Subsidiarity and Proportionality as General Principles of Law", in J. Nergelius and U. Bernitz (eds), "The General Principles of EC Law" (2000); See Also: Bermann, "The Principle of Proportionality", 26 *American J. Comp. Law Supp.* (1977-1978) 415.

۳۱. برای بررسی دقیق‌تر منشأ اصل تناسب و ارکان آن، ن.ک: مرادی‌برلیان، مهدی؛ اصل تناسب در نظام حقوقی اتحادیه اروپایی با نگاهی به آرای دیوان عدالت اداری ایران، خرسندی ۱۳۹۲.

32. Andrew D. Mitchell, *op. cit.*, p. 995.

33. See, Horlick, "Problems with the Compliance Structure of the WTO Dispute Resolution Process", in D. Kennedy and J. Southwick, *The Political Economy of International Trade Law: Essays in Honor of Robert E. Hudec* (2002), p 636; Charnovitz, *Should the Teeth Be Pulled? An Analysis of WTO Sanctions*, in *Ibid.*, at 602, 619- 627; See Also; Anderson, "Peculiarities of Retaliation in WTO Dispute Settlement", 1 *World Trade Rev.* (2002) P.123.

34. Axel Desmedt, "Proportionality in WTO Law", *Journal of International Economic Law*, vol. 4, p. 441.

۳۵. مقررات سازمان در این سه حوزه، علاوه‌بر شناسایی رکن انتساب و نقض تعهد، بر عنصر ورود ضرر نیز تکیه داشته است و آن را به رسمیت شناخته است که قیمت‌شکنی در صورت ورود ضرر به منابع سرزمینی کشور مربوطه یا تهدید به ایراد صدمه، محکوم به جبران است. در حوزه یارانه‌ها نیز اساساً هیچ عضوی نباید از طریق استفاده از هرگونه یارانه ویژه‌ای، اقدام لطمه‌زننده‌ای بر منافع سایر اعضا، به‌ویژه ضرر به صنعت دائمی عضو دیگر، وارد سازد. مفاد موافقت‌نامه حفاظت‌ها و ادبیات آن در بحث ورود ضرر نیز مشابه دو مقوله قبلی است. اما در حوزه تناسب نیز باید بیان داشت که مطابق بند چهارم ماده نوزدهم

اعضا دیدگاه‌های مختلفی نسبت به حاشیه دامپینگ یا میزان یارانه داشته باشند لکن زمانی که مقامات دولت عضو، آن میزان را در آیینی خاص، مطابق الزامات سازمان قرار دهند، عضو متضرر نمی‌تواند عوارضی وضع کند که از حاشیه موصوف فراتر رود.^{۳۶} همچنین در خصوص اعمال اقدامات حفاظتی نیز موافقت‌نامه اقدامات حفاظتی و جبرانی همواره نوعی از تناسب را در جهت مقابله با تجارت فریبکارانه برای رفع شرایط اضطراری در نظر می‌گیرد.^{۳۷ و ۳۸} مهم‌ترین قضیه در این خصوص، اقدامات حفاظتی بود که ایالات متحده در مارس ۲۰۰۲ و به موجب آیین قید گریز خویش در مورد ده محصول فولادی وضع کرد که این عمل وی، توسط جوامع اروپایی و هفت کشور دیگر به چالش کشیده شد و به بحث تناسب در آن پرداخته شد.^{۳۹ و ۴۰}

ثالثاً، اصل تناسب می‌تواند اولاً و بالذات به‌عنوان اصل کلی حقوقی و اصل کلی حقوق بین‌الملل عرفی توصیف شود و ثانیاً و بالعرض نیز در ارزیابی سطح، میزان و نوع جبران‌های سازمان، مورد استفاده قرار می‌گیرد. از همین رو، چگونگی تفسیر اصل تناسب توسط اعضای ذی‌نفع یا ارکان صلاحیت‌دار سازمان، همواره موضوعی اختلاف‌برانگیز میان اعضا است، اگرچه این امر معمولاً منجر به ارائه تفاسیر متفاوتی از میزان ضرر می‌شود که در هر قضیه‌ای با توجه به اوضاع و احوال موجود در آن پرونده، نیاز به تعمق دارد لکن تفسیر واحد از اصل تناسب و آن‌هم در پرتو اصل تبادل منافع، منجر به ایجاد نوعی ثبات در رویه سازمان می‌شود و این ثبات، همان موضوعی است که هیئت‌های حل اختلاف و رکن استیناف در پی آن‌اند.^{۴۱} لذا با توجه به اهمیت تفسیر موافقت‌نامه و مرجع مفسر آن‌ها، ذیلاً به موضوع تفسیر می‌پردازیم.

موافقت‌نامه یارانه‌ها، اعضا نباید عوارض جبرانی اضافه بر میزان یارانه وضع کنند. همچنین بند سوم ماده نهم موافقت‌نامه ضد قیمت‌شکنی نیز اشعار می‌دارد یک عضو نمی‌تواند عوارض ضد قیمت‌شکنی اضافه بر حاشیه دامپینگ مقرر دارد.

36. Andrew D. Mitchell, p. 996.

37. *Ibid.*, p. 997.

38. در خصوص اقدامات حفاظتی باید یادآور شد که در دوره زمانی ۱۹۹۵ تا نیمه سال ۲۰۰۷ جمعاً ۱۵۹ تحقیق مربوط به حفاظت‌ها انجام گرفته و ۸۲ اقدام حفاظتی وضع شده است. در این میان، هند بیشترین استفاده و پس از آن شیلی، ترکیه و ایالات متحده قرار دارند. تا سال ۲۰۰۶ نیز وضع این حفاظت‌ها منجر به طرح ۱۳ پرونده اختلاف راجع به اقدامات حفاظتی، شده است. لوفلد، آندریاس اف؛ حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه: محمد حبیبی مجنده، جنگل، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰.

39. See: United States- Definitive Safeguard Measures on Imports of Certain Steel Products, WT/DS248, 249, (23 Oct. 2003).

40. به‌علاوه نگرش رکن استیناف به اصل تناسب به‌عنوان اصل حقوق بشر عرفی، در پرونده ایالات متحده - ایلیف کتان یا در پرونده ایالات متحده - خط لوله که در آن‌ها سخن از وجود تناسب نمود، نمایانگر نقش و جایگاه رفیع تناسب اقدامات حفاظتی با ضرر وارده است.

41. برای اطلاعات بیشتر، ن.ک:

Rufus Yerxa and Bruce Wilson, "Key Issues in the WTO Dispute Settlement: The First Ten Years", *EJIL*, 19 (2008), 617- 635.

۳. نقش تفسیر موافقت‌نامه‌ها در تبیین مسئولیت اعضا

زمانی که مسئولیت اعضای سازمان مطرح می‌شود و به‌ویژه در موارد مواجهه با ادعای زوال یا لطمه به منافع، یکی دیگر از زمینه‌هایی که در چگونگی و میزان مسئولیت اعضا مدخلیت دارد، تفسیر موافقت‌نامه‌ها، تعهدات و امتیازات اعضا است که ذیلاً برای روشن‌تر شدن بهتر نقش تفسیر و استفاده از اصول مسلم آن در حل اختلافات میان اعضا و نحوه اعمال آن، به تحلیل مطلب می‌پردازیم.

۳-۱. تفسیرپذیری موافقت‌نامه‌های سازمان و تعهدات اعضا

اصولاً موافقت‌نامه‌های سازمان، متضمن یک «تعهد واحد» است، به‌معنای اینکه به تمام اعضای سازمان به‌عنوان یک کل، اعمال می‌شود.^{۴۲} موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت، «موافقت‌نامه مراکش» در رأس این تعهد واحد قرار گرفته است که سازمان را به‌عنوان یک نهاد ایجاد و سپس کارکرد، ساختار، نحوه تصمیم‌گیری و عضویت آن را تشریح نموده است. این امر، چند پیامد برای رویکرد صحیح برای تفسیر مقررات سازمان به‌دنبال خواهد داشت. اولاً، این امر، ارجاعات به اصول کلی حقوقی را که مرتبط با موضوع و هدف موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت سازمان جهانی تجارت است، هموار می‌سازد. ثانیاً، این موضوع، نقش وسیع‌تری را برای اصول تفسیر، به‌میزانی که در رسیدن به اهداف حل‌وفصل اختلاف سازمان لازم است، توجیه می‌نماید.^{۴۳} ثالثاً، معنای مقررات را تا جایی تفسیر می‌کند که یک سازمان بین‌المللی می‌تواند به‌طور مؤثر عمل کند. در خصوص موضوع کارآمدی به‌صورت مجزا در قسمت آتی سخن به میان خواهد آمد.

حاصل این همگرایی، در نظر داشتن موضوع و اهداف موافقت‌نامه‌های سازمان، تفاهم‌نامه حل اختلاف و پروتکل‌های الحاق اعضا است که برای تفسیر آن‌ها لازم است. از این‌رو، اگرچه موافقت‌نامه‌های تحت پوشش می‌توانند به‌طور معقولی، تعادل و توازن را در پناه اصل تبادل منافع ایجاد کنند این موضوع بدان معناست که هیئت‌های رسیدگی به اختلافات اعضا، مکلف به رعایت اصول تفسیر در موافقت‌نامه‌های سازمان هستند.^{۴۴}

هاوس^{۴۵} در مقابل چنین رویکردی به مقابله برمی‌خیزد. وی معتقد است که در قضیه هند، الگوها، رکن استیناف و هیئت مربوطه در مورد «اصل انتظارات مشروع» با رویگردانی از «اصول

42. See e.g. Appellate Body Report, Brazil - Desiccated Coconut, pages 12 - 13.

43. Andrew D. Mitchell, "The Legal Basis for Using Principles in WTO Disputes", *Journal of International Economic Law*, vol. 10, No. 4, P. 823

44. Deborah Cass, "The Constitutionalization of International Trade Law: Judicial Norm - Generation as the Engine of Constitutional Development in International Trade", 12 *European Journal of International Law* (2001) 39, 39, 41 - 42. See also Deborah Cass, *The Constitutionalization of the World Trade Organization: Legitimacy, Democracy, and Community in the International Trading System* (Oxford: Oxford University Press, 2005).

45. Howse

کلی برشمرده توسط رژیم معاهده تحت پوشش»، استفاده از اصول تفسیری را رد کرده‌اند.^{۴۶} اما به نظر می‌رسد، هاوس درحالی مشروعیت استفاده از «اصول حقوق سازمان جهانی تجارت» را در تفسیر موافقت‌نامه‌های سازمان انکار می‌نماید که سعی بر استفاده از اصول عرفی، در تفسیر این گونه موافقت‌نامه‌ها دارد. اگرچه صاحب‌نظرانی همچون پیترزمن^{۴۷} در اساس چنین تمایزی، تردید نموده‌اند به نظر می‌رسد در هر صورت، اصول ترسیمی در مورد ساختار این موافقت‌نامه‌ها، غالباً هم‌داستان با قواعد حقوق بین‌المللی عرفی، در مورد تفسیر معاهدات باشد.^{۴۸} از سوی دیگر، اصول کلی حقوق بین‌الملل، مانند اصل حسن‌نیت^{۴۹} و تناسب^{۵۰} نیز به انحاء مختلف در حقوق سازمان جهانی تجارت سازمان جهانی تجارت مطرح شده است. لذا نظر به عمومیت و پذیرش این اصول در جامعه بین‌المللی، احتمال بروز تعارض قواعد و مقررات، با اصول کلی حقوقی، بعید به نظر می‌رسد. بر این مبنا، با نگاهی به موافقت‌نامه‌های سازمان و در نظر گرفتن عباراتی نظیر «ضروری»، «تناسب» و «معقول» در می‌یابیم که این واژگان، ملهم از اصل تناسب است که کلیت آن مورد پذیرش است.^{۵۱}

لذا اعمال اصل تناسب در قوانین و رویه‌ها، حاکی از محدود نمودن حق اعضا در اتخاذ اقدامات مغایر با قواعد تجارت بین‌الملل است. به‌طور نمونه در قضیه جامعه اروپا - پنبه نسوز، رکن استیناف، مبادرت به تبیین و تفسیر اصطلاح «ضرورت» در مفهوم بند ۲ ماده ۲۰ گات ۱۹۹۴ نمود و بیان داشت که هدف فرانسه از این اقدام - یعنی تصویب قانون ۹۶ - ۱۱۳۳ درباره ممنوعیت واردات این کالا و محصولات مرتبط با آن - حمایت از حیات و سلامت انسان‌ها، از طریق حذف یا کاهش خطراتی بوده که این محصولات دارند. لذا ارزش و اهمیت این امر، از هر امر دیگری بالاتر است و برای اینکه میزان تناسب مورد ارزیابی قرار گیرد، لازم است که جایگزین‌پذیری آن مورد بررسی قرار گیرد.^{۵۲} نمونه دیگر، اصل حسن‌نیت است که در زمینه

46. Andrew D. Mitchell, *op. cit.*, p. 824

47. Petersman

48. *Ibid.*, p. 827.

49. Principle of Good Faith

50. Principle of Proportionality

۵۱. به‌طور مثال بند ۱ ماده ۲۰ موافقت‌نامه گات ۱۹۹۴ مقرر می‌دارد که «هیچ چیز به‌گونه‌ای تفسیر نخواهد شد که مانع اتخاذ اقدامات ضروری برای حمایت از سلامت و حیات انسان‌ها و حیوانات یا حفاظت از نباتات باشد». در ادامه آن، بند ۲ ماده ۲ موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی بیان می‌دارد «... اعضا تضمین خواهند کرد که اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی، جز در موارد ضروری برای حمایت از سلامت و حیات انسان‌ها و حیوانات یا حفاظت از نباتات اعمال نخواهد شد...». همچنین ن.ک: به بند ۱ ماده ۲ موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت که اشعار می‌دارد «... اعضا تضمین خواهند کرد که تهیه و تصویب یا اجرای مقررات فنی، موجبات ایجاد موانع غیر ضروری فراراه تجارت بین‌المللی نباشد...».

۵۲. لوفلد؛ همان، ص ۱۳۱.

تفسیر و اجرای معاهدات به کار می‌رود.^{۵۳}

۲-۳. رویه‌های (شبه) قضایی در تفسیر موافقت‌نامه‌ها

هیئت‌های حل اختلاف به‌عنوان رکن شبه قضایی، در پرونده‌های متعددی مقررات موافقت‌نامه‌ها را تفسیر کرده‌اند.^{۵۴} در این راستا، همواره به اصول تفسیر که در کنوانسیون وین حقوق معاهدات در مواد ۳۱ تا ۳۳ تدوین شده، استناد می‌جویند.^{۵۵} لازم به ذکر است که خود موافقت‌نامه‌ها نیز اصول راهنمایی در خصوص چگونگی تفسیر ارائه می‌کنند که در تفاهم‌نامه حل اختلاف، موافقت‌نامه ضد قیمت‌شکنی و موافقت‌نامه تأسیس سازمان، عینیت خارجی یافته است.^{۵۶}

۵۳. این اصل، مورد پذیرش دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفته و مورد تأیید هیئت‌های حل اختلاف در سازمان نیز هست. به‌طور مثال، در قضیه ایالات متحده - میگو، هیئت حل اختلاف، با بیان اینکه ماده ۲۰ گات ۱۹۹۴ تحت عنوان «استثنائات عمومی» و به‌ویژه از این جهت که امکان سوءاستفاده از حق را غیرممکن می‌سازد، اصل مذکور را مقرر داشته، لذا اصل حسن‌نیت، به‌عنوان اصل کلی حقوقی و اصل کلی حقوق بین‌الملل، در موارد گوناگونی در نظام حقوقی سازمان، اعمال می‌شود. در این مورد، هم در حوزه تفسیر و هم در حوزه اجرا، نمونه‌های فراوانی از آرای صادره به چشم می‌خورد مانند قضایای ایالات متحده، قانون غرامت، یا مفهوم حمایت از انتظارات مشروع در قضیه هند - ورقه اختراع. نمونه‌های فوق، در کنار اصول خاص سازمان، همچون منع تبعیض، پیش‌بینی‌پذیری، رفتار ملی، شفافیت و غیره، حاکی از آن است که جایگاه اصول کلی حقوق نیز در مرتبه بالایی از هرم تعهدات اعضای سازمان قرار گرفته است.

54. Isabelle Van Damme, "Treaty Interpretation by the WTO Appellate Body", *EJIL*, vol. 21 No. 3, 2010, p 606.

۵۵. برای مطالعه بیشتر در خصوص قضایای مورد اشاره، ن.ک:

Appellate Body Report, United States - Standards for Reformulated and Conventional Gasoline (US - Gasoline), WT/DS2/AB/R, at 16 - 17; Appellate Body Report, Japan - Taxes on Alcoholic Beverages (Japan - Alcoholic Beverages II), WT/DS8/AB/R, WT/DS10/AB/R, WT/DS11/AB/R, at 104; see also, e.g., Appellate Body Report, European Communities - Customs Classification of Certain Computer Equipment (EC - Computer Equipment), WT/DS62/AB/R, WT/DS67/AB/R, WT/DS68/AB/R, at para. 84; Appellate Body Report, United States - Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products (US - Shrimp), WT/DS58/AB/R, at para. 114; Appellate Body Report, Korea - Definitive Safeguard Measure on Imports of Certain Dairy Products (Korea - Dairy), WT/DS98/AB/R, at para. 81. Appellate Body Report, United States - Final Countervailing Duty Determination with Respect to Certain Softwood Lumber from Canada (US - Softwood Lumber IV), WT/DS257/AB/R, at para. 59; Appellate Body Report, Chile - Price Band System and Safeguard Measures Relating to Certain Agricultural Products (Chile - Price Band System), WT/DS207/AB/R, at para. 271; Appellate Body Report, European Communities - Anti - Dumping Duties on Imports of Cotton - Type Bed Linen from India - Recourse to Article 21.5 of the DSU by India (EC - Bed - Linen (Article 21.5 - India)), WT/DS141/AB/RW, at para. 123, n. 153. Appellate Body Report, US - Hot Rolled Steel, *note* 6, at para. 59 (original emphasis); see also Appellate Body Report, United States - Final Anti- Dumping Measures on Stainless Steel from Mexico (US - Stainless Steel (Mexico)), WT/DS344/AB/R, at para. 76; Appellate Body Report, United States - Continued Existence and Application of Zeroing Methodology (US- Continued Zeroing), WT/DS350/AB/R, at paras 268 - 272.

۵۶. بند ۲ ماده ۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف مقرر می‌دارد: «نظام حل اختلاف سازمان، عامل محوری در تضمین امنیت و پیش‌بینی‌پذیری نظام تجاری چندجانبه است. اعضا به‌رسمیت می‌شناسند که نظام مزبور، حقوق و تعهدات اعضا را تحت موافقت‌نامه‌های تحت پوشش، حفاظت نماید و مقررات موجود آن‌ها را مطابق قواعد تفسیری حقوق بین‌الملل عرفی تبیین کند. توصیه‌ها و احکام رکن حل اختلاف نمی‌تواند حقوق و تعهدات ایجادشده در موافقت‌نامه‌های تحت پوشش را افزایش یا کاهش دهد». همچنین قسمت II از بند ۶ ماده ۷ موافقت‌نامه ضد قیمت‌شکنی علاوه‌بر استفاده از حقوق عرفی، اضافه می‌کند

در برخی موارد، رکن حل اختلاف در اعمال قسمت دوم بند ۶ ماده ۱۷ تفاهم‌نامه، بر این مبنا که تفسیر مجاز وجود ندارد، از پذیرش آن‌ها خودداری کرده و در برخی موارد نیز به لحاظ اینکه یک تفسیر غیرمجاز بوده، از اعمال آن سر باز زده است.^{۵۷} رکن مزبور، در تفسیر موافقت‌نامه‌های سازمان، صرفاً از ادبیات گراماتیک و متنی بهره نمی‌جوید بلکه اغلب فی‌الفور، تعاریف فرهنگ لغت‌ها یا معانی ساده کلمات را برمی‌گزیند و از معنای عادی واژگان بهره می‌جوید و سپس به معانی فرعی توجه می‌کند. به‌طور نمونه، در پرونده‌های ایالات متحده - گازوئیل و مشروبات الکلی ۲ ژاین، به بحث حاشیه تفسیر که می‌بایست تحت نفوذ و مطابق هدف معاهده باشد، اشاره شد.^{۵۸}

نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است، آن است که کارکرد تفسیر در حل اختلافات سازمان و در مواجهه با عضو مسئول و عضو متضرر، به چه صورت است؟ در پاسخ باید بیان داشت که اولین و بهترین کارکرد تفسیر، تبیین یک شبکه به هم وابسته از موافقت‌نامه‌هاست که هیئت‌ها و رکن استیناف را قادر می‌سازد، به بررسی بهتر ابعاد نقض و انطباق موضوع بر حکم بپردازند. در این خصوص رکن استیناف با دقت، قدم در این مسیر نهاده؛ به‌طوری‌که سطحی از فرمالیسم^{۵۹} (صورت‌گرایی) را در توجیه جمع‌بندی‌های خود، اعمال نموده است.

که «... در جایی که پنل دریابد که مقرره مربوطه، تاب تحمل بیش از یک تفسیر مجاز را دارد، پنل می‌بایست سازوکارهای مجاز را که منطبق با آن موافقت‌نامه باشد بیابد...» به‌علاوه بند ۲ ماده IX موافقت‌نامه تأسیس سازمان ارتباط میان تفسیر قضایی و تفسیر معتبر را ارائه می‌دهد و مقرر می‌دارد «کنفرانس وزیران و شورای عمومی می‌بایست اختیار گسترده‌ای در تصویب تفسیرهای این موافقت‌نامه و موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه داشته باشند».

۵۷. برای نمونه ن.ک:

See, e.g., Appellate Body Report, EC- Bed Linen (Article 21.5 - India), note 4, at para. 118; Appellate Body Report, US - Stainless Steel (Mexico), note 8, at para. 136; Appellate Body Report, United States - Final Dumping Determination on Softwood Lumber from Canada (US - Softwood Lumber V), WT/DS264/AB/R, at para. 116. For similar conclusions see Appellate Body Report, United States - Laws, Regulations and Methodology for Calculating Dumping Margins ("Zeroing") (US - Zeroing (EC)), WT/DS294/ AB/R, at para. 134; Appellate Body Report, United States - Measures Relating to Zeroing and Sunset Reviews (US - Zeroing (Japan)), WT/DS322/AB/R, at paras 188 - 189. Appellate Body Report, European Communities, Anti- Dumping Duties on Imports of Cotton - Type Bed Linen from India (EC - Bed Linen), WT/DS141/AB/R, at para. 65. Appellate Body Report, Mexico - Anti- Dumping Investigation of High Fructose Corn Syrup (HFCS) from the United States - Recourse to Article 21.5 of the DSU by the United States (Mexico - Corn Syrup (Article21.5 - US)), WT/DS132/AB/RW, at para. 133.

۵۸. تاکنون تنها درخواست‌هایی که برای تفسیر مجاز صورت گرفته‌اند، عبارت‌اند از:

General Council, Request for an Authoritative Interpretation Pursuant to Article IX:2 of the Marrakesh Agreement Establishing the World Trade Organization, Communication from the European Communities, WT/GC/W/133, 25 Jan. 1999; General Council, Request for an Authoritative Interpretation Pursuant to Article IX:2 of the Marrakesh Agreement Establishing the World Trade Organization, Communication from the European Communities, WT/GC/W/143, 5 Feb. 1999 Ministerial Conference, Doha Declaration on the TRIPS Agreement and Public Health (adopted on 14 November 2001), WT/MIN(01)/Dec/2 (20 Nov. 2001), at para. 4.

59. Formalism

در سطح ماهوی نیز این فرمالیسم در تحقق «نظام معاهده‌ای یکپارچه واحد»^{۶۰} کمک شایانی نموده زیرا اگرچه اصولاً رکن استیناف معاهده را تفسیر می‌کند و لکن در عمل شبکه‌ای از معاهداتی را که لزوماً به نحو مساوی بین تمام اعضای سازمان اعمال نمی‌شود، تفسیر می‌کند. پیش‌فرض هیئت‌ها و رکن حل اختلاف در این موارد آن است که افزایش یا کاهش در تعهدات اولیه اعضا اتفاق نیفتد.^{۶۱} از این منظر، نظام حل اختلاف به‌عنوان رکن شبه‌قضایی، چند ویژگی را در استفاده از تفسیر و اصول مسلم آن مدنظر دارد:

اولاً، اگرچه ممکن است کنترل سیاسی رکن حل اختلاف، بر هیئت‌ها و رکن استیناف اعمال شود، نهادهای موصوف می‌توانند ادبیات حقوقی خود را در پس واژگانی که استعمال می‌کنند و تفسیری که ارائه می‌دهند، نشان دهند. ثانیاً، بند ۲ ماده ۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف، تأکید دارد که اعضای سازمان باید، در پرتو قواعد تفسیر مندرج در حقوق بین‌الملل عرفی، قادر به فهم گزارش هیئت‌ها و رکن استیناف باشند؛ لکن اینکه به چه میزان از حقوق بین‌الملل باید اعمال شود، موضوعی است که خود اعضا و در صورت فقدان اراده جمعی ایشان، هیئت‌ها و رکن استیناف اجرا می‌کنند.^{۶۲} آن‌ها با توجه به بند ۲ ماده ۳ تفاهم‌نامه، اصول تفسیر حقوق بین‌الملل عرفی، اصولی همچون حسن‌نیت،^{۶۳} اصل معنای عادی، توجه به سیاق، موضوع و هدف معاهده، توجه به قواعد حقوق بین‌الملل،^{۶۴} استفاده از وسایل تکمیلی تفسیر^{۶۵} و غیره، تعهدات اعضا و موافقت‌نامه‌های سازمان را تفسیر می‌کنند.

نکته دیگر اینکه، در تفسیر ماده ۲۲ تفاهم‌نامه که به مفهوم زوال منفعت لطمه به آن اشاره شده و در نتیجه امکان طرح مسئولیت عضو خاطی وجود دارد، باید بیان داشت که ماده موصوف، بارها مورد تفسیر قرار گرفته و از اصول تفسیر در آن استفاده شده است. به‌طور مثال، در قضیه موز ۳ در تفسیر موقت‌بودن اقدامات تلافی‌جویانه، هیئت مزبور مستنداً به بندهای ۱ و ۸ ماده ۲۲ تفاهم‌نامه بیان نمود که ماهیت موقت، اشاره به هدف اقدامات تلافی‌جویانه، جهت الزام عضو متمرّد به تبعیت از توصیه‌ها

60. Single Integral Treaty System

61. Isable Van Damme, *op. cit.*, p. 644.

62. See: David Palmetier, *op. cit.*, pp. 80 - 84.

63. در قضیه ایالات متحده - قمار، اصل حسن‌نیت را اصل محوری تفسیر قواعد سازمان تجارت جهانی داشت. و رکن استیناف نیز در همین قضیه عنوان داشت که «فرهنگ لغت‌ها به‌تنهایی، قادر به حل مسائل پیچیده تفسیر نیستند. آن‌ها نوعاً کاتالوگی از تمامی معانی اعم از معانی معمول یا نادر، عام یا خاص هستند». *Ibid.*

64. لازم به ذکر است که هیئت رسیدگی در قضیه جوامع اروپایی - بیوتک خاطرنشان ساخت که آن‌ها ملزم نیستند سایر قواعد حقوق بین‌الملل را که بر یکی از اعضا قابل اعمال نباشد احتساب کنند. در مقابل در قضیه ایالات متحده - میگو نیز رکن استیناف به اصل حسن‌نیت و اصل لزوم جبران خسارت به‌عنوان اصولی کلی حقوقی استناد جست. *Ibid.*

65. به‌طور نمونه در قضیه ژاپن - مشروبات الکلی، هیئت رسیدگی بیان داشت که نقطه شروع تفسیر معاهده بین‌المللی، عبارت‌پردازی آن است که باید در پرتو موضوع و هدف آن به‌طور کلی در نظر گرفته شود. *Ibid.*, p. 87

دارد و از این رو، نه پرداخت خسارت و نه اقدامات تلافی‌جویانه، اجرای کامل تلقی نمی‌شود.^{۶۶} مصداق دیگر در این مورد، برابری سطح تعلیق با میزان منافع زوال‌یافته یا لطمه‌دیده است که شرح موضوع در اصل تناسب بیان شد. همچنین بند ۴ ماده ۲۲ در خصوص اعاده وضع به حالت سابق نیز جولانگاه دیگری از اصول تفسیر است. در پرتو ماده موصوف، اهدافی همچون امنیت و پیش‌بینی‌پذیری، چه در بُعد مطابقت آن با هدف و موضوع معاهده و چه در قالب سازوکار حل‌وفصل اختلافات سازمان در مفهوم یک راه‌حل مثبت باید مورد تفسیر قرار گیرد. لازم به توضیح است که در بحث تفسیر ماده ۲۲ تفاهم‌نامه، نباید ارزیابی مقررات جبرانی را بدون در نظر داشتن منشور سازمان تجارت بین‌المللی و گات ۱۹۴۷ به‌عنوان شیوه‌های تکمیلی تفسیر، از نظر دور داشت. ابزارهای تکمیلی تفسیر که در قضایای مختلف مورد استفاده قرار گرفته است، بر تاریخچه مذاکرات، رویه طبقه‌بندی گمرکی و اسناد کاری دبیرخانه گات، مبتنا دارند.^{۶۷} نکته دیگر در بحث تفسیر آن است که تفسیر «شبه» قضایی رکن حل اختلاف توسط هیئت‌ها و رکن استیناف، صرفاً بر طرفین دعوا و همان موضوع مورد اختلاف، الزام‌آور است، درحالی‌که «تفاسیر معتبر و مجاز»^{۶۸} که توسط کنفرانس وزیران و شورای عمومی انجام می‌شود، برای تمام اعضا الزام‌آور است.^{۶۹} تفاهم‌نامه در ماده فوق، تصریح می‌کند که تفاسیر قضایی به حق اعضا در اعمال صلاحیتشان مطابق بند ۲ ماده IX موافقت‌نامه تأسیس سازمان، خدشه‌ای وارد نمی‌سازد. اگرچه رکن تفسیری نهایی سازمان، هیئت‌ها و رکن استیناف هستند که خودمختاری تفسیری دارند، درخصوص فقدان رویه تحت ماده فوق‌الذکر، تصمیمات رکن حل اختلاف، اگر قطعیتی دوژوره «قانونی» نداشته باشند، نوعی قطعیت دوفاکتو «عملی» دارند.^{۷۰} علی‌هذا، اگرچه رکن استیناف در تولید رویه قضایی ثابت و استوار برای تفسیر حقوق سازمان و تبیین حقوق و تکالیف ناشی از مسئولیت اعضا، موفق بوده^{۷۱} و علی‌رغم اینکه با فقدان مفهوم مضیق از رویه قضایی، تفاسیر هیئت‌ها و رکن استیناف، در هر دعوا «مورد خاص»^{۷۲} تلقی

66. *Ibid.* See: Tetsuo Sato, *Evolving Constitutions of International Organizations* (London: Kluwer Law International, 1996), 229.

67. See: United States- Measures Treating Export Restraints as Subsidies WTO Doc WT/DSI 94/R, 2001, para 8.4.

See Also: EC- Computer Equipment (AB) para 92; Mexico- Measures Affecting Telecommunications Services, para. 7.44.

68. Authoritative interpretation

69. See: Appellate Body Report, Japan - Alcoholic Beverages II, p. 107; Appellate Body Report, United States-Tax Treatment for 'Foreign Sales Corporations' (US - FSC), WT/DS108/AB/R at paras 112 - 113, n. 217.

70. Howse, "The Most Dangerous Branch? WTO Appellate Body Jurisprudence on the Nature and Limits of the Judicial Power", in T. Cottier and P.C. Mavroidis (eds), *The Role of the Judge in International Trade Regulation - Experience and Lessons for the WTO*, World Trade Forum (2003), IV, p. 11, 15.

71. Isabelle van Damme, *op. cit.*, p. 614.

72. Case- specific

می‌شوند؛ لکن نوع معتدلی از تفسیر در زمان‌های مختلف و در بخش‌های مختلف موافقت‌نامه‌ها به چشم می‌خورد. با وجود این، هیئت‌های حل اختلاف و رکن استیناف به‌ندرت تفاسیر متفاوت و حتی مغایر ارائه کرده‌اند. شاید علت این امر در ویژگی اساسی رویه تفسیری رکن استیناف، یعنی تکیه بر سیاق‌گرایی^{۷۳} و همچنین «توجه به قرائن» و «مؤثر بودن» مبتنی باشد و از آنجایی که آن‌ها زبان معاهده را صرفاً به روش دستوری و متنی در نظر نمی‌گیرند بلکه غالباً به معنای هموار متن و تعاریف فرهنگ لغت‌ها، معانی عادی کلمات، موضوع و هدف موافقت‌نامه تکیه دارند، دست به تفسیر موافقت‌نامه‌ها می‌زنند. قضایای ایالات متحده - گازوئیل، ژاپن - مشروبات الکلی،^{۷۴} قضیه موز ۳ و ایالات متحده - قمار، نمونه‌های بارزی بر این مدعا است.

۴. زمان و اقدامات جبرانی

در این قسمت، سؤال اساسی این است که در صورت زوال منفعت یا بروز لطمه به منافع، جهت التزام به اقداماتی که با موافقت‌نامه‌های تحت پوشش، ناسازگار تشخیص داده شده، عضو مسئول، ملزم به اتخاذ چه اقداماتی است و تا چه میزان ملزم به جبران است؟ جهت پاسخ به این پرسش، جبران‌های ناظر به گذشته و آینده^{۷۵} را در مقررات گات، سازمان و همچنین در رویه آن‌ها بررسی می‌کنیم.

۴-۱. نقش زمان در جبران

در زمان گات، نظام تجاری چندجانبه مبتنی بر روابطی از جنس تبادل منافع حقوق و تعهداتی بود که تعادل را میان اطراف معاهده ایجاد می‌کرد. زمانی که یک عضو معتقد بود که این تعادل با اقدامات عضو دیگر، زایل شده یا صدمه دیده، در جستجوی استقرار مجدد تعادل، از طریق توسل به مقررات حل‌وفصل برمی‌آمد. در آن زمان، آیین حل اختلافات، بیشتر سیاسی بود تا قضایی. این نظام در مفهوم دقیق حقوقی، نظامی قضایی نبود که احکام الزام‌آوری برای اعضا داشته باشد.^{۷۶} مطابق نظام حل‌وفصل اختلاف گات، توصیه‌های پیشنهادی هیئت‌ها، در درجه اول در جستجوی توقف نقض و اجرای قاعده اولیه بود. در مواردی که هیئت پی می‌برد که نقض یک

73. Contextualism

74. *Ibid.* p. 622.

75. Retroactive or Prospective Remedies

76. دلایل متعددی را می‌توان جهت توجیه این ویژگی برشمرد. اما عمده دلیل آن، این واقعیت بود که نهایتاً عضو بازنده می‌توانست با توسل به اجماع مثبت، تصویب گزارش را بلوکه کند. هیئت‌های رسیدگی با آگاهی از این احتمال، زمانی که پیش‌نویس گزارش‌های خود را تهیه می‌کردند، دقت می‌کردند و اغلب در جستجوی زمینه‌های معتدل بودند تا آن‌ها را تا حد ممکن برای دو طرف دعوا قابل قبول سازد.

مقرره ماهوی رخ داده، پیشنهاد می‌نمود که عضو پاسخگو، از طریق بازپس‌گیری اقدامات متخلفانه، به نقض خود پایان دهد. اگر دولت پاسخگو به این توجیه، توجهی نمی‌کرد، تنها راه جبران پیشنهادی توسط گات ۱۹۴۷ استرداد امتیازات یا سایر تعهدات بود.^{۷۷} استرداد امتیازات به‌عنوان اقدام جبرانی در آخرین مرحله، اقدامی بود که هدف آن، تعادل در میزان ضرر بود.^{۷۸}

لکن اقدام جبرانی مطابق حقوق سازمان جهانی تجارت، به‌گونه‌ای متفاوت است؛ تفاهم‌نامه حل اختلاف، صراحتاً استرداد اقدامات مربوطه را به‌عنوان هدف اولیه نظام حل اختلاف، به‌رسمیت می‌شناسد. این حقیقت، ما را به این نتیجه‌گیری رهنمون می‌سازد که مفهوم «استرداد» در سیاق حقوق بین‌الملل عام در مقایسه با حقوق سازمان جهانی تجارت، یک چشم‌انداز محدود دارد چرا که مفهوم اصلی اعاده وضع به حالت سابق،^{۷۹} تمامیت خود را تحت لوای حقوق سازمان، حفظ نکرده، زیرا تمامی آثار عمل غیرقانونی، محو یا زائل نمی‌شود چرا که به وضعیت قبل از نقض، اعاده نمی‌شود.^{۸۰}

بنابراین اجرای قاعده اولیه، از طریق «استرداد اقدامات مغایر»، شکل اولیه‌ای از اعاده وضعیت به حالت سابق است. این امر در بند ۷ ماده ۳ تفاهم‌نامه، به‌عنوان هدف اولیه سازوکار حل اختلاف، در غیاب راه‌حل مرضی‌الطرفینی، پیش‌بینی شده است. از این‌رو، استرداد امتیازات،^{۸۱} حکایت از «آخرین اقدام» دارد.^{۸۲} بنابراین شکل اصلی جبران در حقوق سازمان، جبران ناظر به آینده بوده و با این رویکرد، به برتری جبران‌های ناظر به آینده مطابق حقوق بین‌الملل عام، پایبند مانده است زیرا یک عضو باید یا اقدامات مغایر را مسترد دارد یا آن را جهت تطابق با موافقت‌نامه‌ها اصلاح کند. در اینجا، مقصود امحای عواقب و آثار غیرقانونی - که از منظر عده‌ای یکی از اجزای اعاده وضعیت به حالت سابق است - نیست. این نوع از اعاده وضعیت، ابتدائاً از طریق رویه گات توسعه یافت و سپس صراحتاً در تفاهم‌نامه حل اختلاف ذکر شد.^{۸۳}

در سازمان جهانی تجارت، جبران از طریق شکل مضیق اعاده وضع به حالت سابق، نه تنها جبران اولیه نیست بلکه در واقع، با در نظر داشتن استثنای شکایت‌های غیرنقض، تنها ادعا و خواسته تحت لوای آن نظام است. به‌علاوه، اعاده وضع به حالت سابق، مشروط به عملی بودن

77. Pierre Pescatore, William J. Devey, and Andreas F. Lownfeld, *Handbook of WTO/GATT Dispute Settlement*, vol.1, 1997, p.74

78. Patricio Grane, Remedies under WTO Law, *Journal of International Economic Law*, 2001, p. 759.

79. Restitution

80. *Status quo ante* is not restored

81. Withdrawal of concessions

۸۲. ن.ک: بند ۷ ماده ۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف

۸۳. بند ۱ ماده ۱۹ و بند ۱ ماده ۲۲ تفاهم‌نامه حل اختلاف، سلسله‌مراتب ایجادشده در بند ۷ ماده ۳ آن سند را تأیید و تصدیق می‌کنند. به‌نظر می‌رسد بند ۷ ماده ۳ یادداشت تفاهم حل اختلاف، جبران‌های قابل حصول مطابق سازوکار حل اختلاف را طبقه‌بندی کرده باشد.

اجرای آن نیست. در این خصوص، یک پیش‌فرض دوژوره وجود دارد که طبق آن، دولت‌ها همیشه در موقعیتی خواهند بود تا بتوانند قانونی را تصویب کنند و سپس آن را پس بگیرند که البته ممکن است ملزم به جبران نیز بشوند.

در حقوق بین‌الملل عام، «پرداخت غرامت»، شکل رایج جبران است لکن در سازمان، حالت نادری است. غرامت مطابق حقوق سازمان جهانی تجارت، «استفاده معمول» حقوق بین‌الملل عام را ندارد. غرامت، جبران مالی جهت جبران آسیب‌های ناشی از اقدام غیرقانونی نیست درحالی‌که مطابق حقوق بین‌الملل عام، غرامت، ماهیتی عطف‌به‌ماسبق دارد. لذا به نظر می‌رسد غرامت مطابق حقوق سازمان جهانی تجارت، اقدامی ناظر به آینده و شکل فرعی از جبران باشد زیرا تسکین و تلطیف آسیبی است که عضو قربانی متحمل شده است.

۲-۴. جبران‌های ناظر به گذشته

به‌عنوان قاعده کلی در گات سابق، هیئت‌ها با توصیه‌های خویش، جبران‌هایی را که عطف به‌ماسبق‌کننده تلقی می‌شدند صادر نمی‌کردند. با این حال، قضایایی در گات وجود دارد که هیئت‌ها توصیه کرده‌اند که باید از انطباق صرف یا استرداد اقدامات مغایر، یا فراتر نهاده شود. در این موارد، آن‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه، در جستجوی تعمیم جبران و حذف حداقل برخی از عواقب غیرقانونی بودن و اعمال شکلی از عدالت تصحیحی عطف به‌ماسبق‌کننده بودند.^{۸۴} به نظر می‌رسد، تمام این موارد، در دور توکیو تحت مقررات ضددامپینگ یا یارانه‌ها و اقدامات حفاظتی اتفاق افتاده باشد زیرا در چند قضیه مرتبط با موافقت‌نامه ضد دامپینگ و موافقت‌نامه یارانه‌ها، جبران عطف به‌ماسبق‌کننده موضوع بحث بود. هیئت‌ها در این پرونده‌ها توصیه کردند که دول متعاقد به اخذ مالیات ضد قیمت‌شکنی متخلفانه یا گرفتن عوارض گمرکی جبرانی رجوع کنند. نمایند.^{۸۵}

اما پس از تأسیس سازمان جهانی تجارت، قبول اصل جبران ناظر به آینده در رویه سازمان، در قضیه ایالات متحده - صادرات برخی محصولات از جوامع اروپایی اتفاق افتاد. در این قضیه، هیئت مزبور به‌طور صریح بیان نمود که «جبران‌های عطف به‌ماسبق‌کننده، مغایر با رویه طولانی ایجادشده گات است زیرا جبران‌ها به‌طور سنتی، ناظر به آینده است».^{۸۶} در این خصوص، پالمتر^{۸۷} و ماورودیس^{۸۸} خاطرنشان ساخته‌اند که «اعضای سازمان جهانی تجارت، خواهان برتری چنین

84. Retrospective corrective justice

85. Patricio Grane, *op. cit.*, p.764

۸۶. پاراگراف ششم پرونده ایالات متحده - صادرات برخی محصولات از جوامع اروپایی، گزارش شماره WT/DS165/R مورخ ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۰

87. Palmetier

88. Movroidis

توصیه‌هایی هستند زیرا این امر، انعکاسی از شناسایی موضوع توسط اعضای است که امروزه خواهان هستند و ممکن است فردا خوانده باشند».^{۸۹}

علی‌رغم مسائل فوق، رویه سازمان، نمونه‌هایی نیز دربر دارد که طرفین یک اختلاف، تقاضا کرده‌اند که هیئت حل اختلاف، توصیه‌ای صادر کند که آثار عطف به‌ماسبق‌کننده داشته باشد و در جستجوی شکل دیگری از عدالت تصحیحی عطف به‌ماسبق‌کننده برآمده‌اند. به‌طور نمونه، در قضیه برزیل - هواپیما، کانادا تقاضا کرد که برزیل محکوم به پس‌گرفتن بدون تأخیر یارانه‌های اعطایی شود که این مسئله، مستلزم صدور حکم بر جبران عطف به‌ماسبق‌کننده بود. در تأیید مطلب فوق، نظری که جوامع اروپایی به هیئت مربوطه به‌عنوان شخص ثالث ارسال داشت، قابل ذکر است: «عدم جبران برای اقدامات گذشته و نقض‌های به‌حدکمال‌رسیده در نظام سازمان شناخته شده است زیرا اولاً، احکام رکن حل اختلاف، اثر معطوف به گذشته ندارند. ثانیاً، این امر مقبول است که در برخی موارد هیئت حل اختلاف می‌تواند به هیچ جبرانی برای طرفین دعوا رهنمون نشود».^{۹۰}

۳-۴. جبران‌های ناظر به آینده

در اینجا سؤال آن است که آیا نظام حل اختلاف سازمان، مجاز به تغییر جهت به سمت پذیرش اشکال جدید اقدامات جبرانی است یا می‌تواند مفهوم مسئولیت دولت را گسترش دهد؟ آیا اقدامات تصحیحی باید آن‌چنان باشد که جبران‌ها در جستجوی محو کامل تمام آثار گذشته و آینده باشد؟ آیا حتی در صورت فقدان ضرر مادی، اقدامات تنبیهی برای متضرر، با حقوق سازمان درآمیخته است؟

در پاسخ باید بیان داشت که زمانی که زوال یا لطمه اتفاق می‌افتد، چنین مفهومی از مسئولیت، تجاوز به حاکمیت عضو متضرر را هویدا می‌سازد. از این‌رو، تعمیم وضعیت موجود در سطح داخلی و بین‌المللی، اختیارات رکن حل اختلاف را جهت نظارت بر رفتار اعضا افزایش نخواهد داد. در جایی که اقدامات، ماهیت مستمر دارد، توقف عمل متخلفانه و اجرای تعهد اولیه، باید هدف اصلی «انطباق با مقررات سازمان» یا «استرداد اقدامات مغایر» باشد. به‌طور نمونه، پرداخت غرامت می‌تواند در مواردی مکملی باشد که به‌خاطر وجود شرایط خاص، امکان اعاده به وضع سابق وجود ندارد مثل یارانه‌های ممنوعه‌ای که قبلاً پرداخت شده و مشروط نیست یا واردات موارد ممنوعه با اعمال محدود در زمان مشخص. در اینجا پرداخت غرامت، تعادل میان حقوق و تعهدات را احیا

89. Patricio Grane, p.766

۹۰. باوجود این، تصویب گزارش شماره ۲۱(۵) درمورد استرالیا - چرم خودرو، نظر اعضا را جهت بررسی مسئله اقدامات تصحیحی برانگیخته است. در این پرونده، هیئت رسیدگی به مسئله اقدامات تصحیحی مطابق حقوق سازمان و آثار آن پرداخت و واژه «استرداد» را در بند ۷ ماده ۴ موافقت‌نامه یارانه‌ها تفسیر نمود. Ibid.

نمی‌کند و حتی در جستجوی انطباق با قاعده اولیه نیست زیرا عملاً دیگر مغایرتی وجود ندارد، لکن این امر، اعضا را از ارتکاب رفتار مشابه در آینده، سست می‌کند. در عین حال نباید از ذهن دور انگاشت که در خصوص ارزیابی ضرر وارده، در مورد اقداماتی که ناسازگار شناخته می‌شود، مشکلات عملی نیز به وجود می‌آید مانند اختلاف در تعیین خسارات غیرمستقیم. ولی واقعیت‌های سیاسی موجود، بر بحث زمان در جبران، سایه سنگینی افکنده است. آنچه یک عضو را از عدم مخالفت با تحمیل عوارض جبرانی بازمی‌دارد، نفع در حفاظت از تمامیت سازوکار یا «عامل شرمساری»^{۹۱} است که مطابق آن، جهت جلوگیری از سرزنش بقیه اعضا جامعه بین‌المللی، نباید به گونه‌ای مغایر با تعهدات عمل نمود. از این رو از زمان شروع به کار سازمان، جبران‌ها ماهیتاً ناظر به آینده مانده است و توسعه مفهوم مسئولیت دولت در این بخش، بعید به نظر می‌رسد.

۵. انعکاس اصل کارآمدی در مسئولیت اعضا و نظام جبرانی

در حالی که بسیاری از علمای حقوق، نگرش مثبتی به مؤثر بودن نظام حل اختلاف سازمانی دارند، در خصوص کارآمدی جبران‌های موقت، به‌ویژه اقدامات تلافی‌جویانه، مباحثی را مطرح می‌سازند. در واقع، سؤال اینجاست که در مسئولیت ترسیمی برای اعضای سازمان، آیا می‌توان بارقه‌هایی از اصل کارآمدی به‌ویژه در حوزه جبران‌ها مشاهده نمود؟ و آیا اساساً کارآمدی، جایگاهی در سازوکار مسئولیت اعضای سازمان دارد یا خیر؟

در این خصوص، *دبرا/ استیجر* معتقد است که «اصلاح نظام حل و فصل سازمان، نیاز نیست زیرا این نظام می‌تواند از طریق رویه‌ها، ارتقا یابد. بلکه بسیاری از اعضا باید توجه خویش را معطوف به حوزه اجرا قرار دهند».^{۹۲} *دونالد مک‌را* نیز اعتقاد به این دارد که جبران‌ها و ضمانت اجراها حوزه‌هایی از حل اختلاف است که نیاز به ارتقا و بهبودی دارد. او بر این اعتقاد است که اقدامات متقابل، برندگی لازم را نداشته و سازوکاری است که صرفاً اعضای قدرتمند می‌توانند به‌نحو مؤثری از آن بهره‌گیرند.^{۹۳} *مرکوریو* نیز هم‌داستان با وی، سه دلیل برای ناکافی بودن اقدامات تلافی‌جویانه مطرح می‌کند: الف) تلافی‌جویانه در زمانی که اقدام مورد اختلاف از نظر سیاسی بسیار حساس باشد، مفید نخواهد بود. ب) تعلیق بیش از حد خود - تخریبی^{۹۴} قواعد و مقررات است؛ ج) کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند علیه کشورهای توسعه‌یافته از آن بهره‌گیرند.^{۹۵}

91. The Shame Factor

92. Debra P. Steger, "Commentary on the Doha Round: Institutional Issue" (2005) 5(4) *Global Economy Journal* 1, pp.4 - 5

93. Donald, McRae, "Measuring the Effectiveness of the WTO Dispute Settlement System", (2008) 3(1) *AJWH*, p. 18.

94. Self-destructive

95. Debra P., Steger, *op. cit.*, p. 12.

به‌علاوه بسیاری از اعضا نیز بر این باورند که مرحله اجرای حل اختلاف، نسبتاً ضعیف‌تر از سایر مراحل است.^{۹۶ و ۹۷} با این مقدمه، در این قسمت به تحلیل اصل کارآمدی و عناصر آن پرداخته و پس از آن، ارتباط آن را با شیوه‌های جبران، بیان می‌کنیم.

۵-۱. کارآمدی و کارکرد آن در سازمان جهانی تجارت

واژگانی همچون «تبعیت»،^{۹۸} «اجرا»^{۹۹} و «کارآمدی»،^{۱۰۰} کلماتی مرتبط اما دارای مفاهیم گوناگون است. فرهنگ لغت، مفهوم (کارآمدی) مؤثر بودن را به معنای دستیابی به نتیجه و موفقیت در آنچه شما خواسته‌اید می‌داند و آن را به معنای چیزی می‌داند که به‌طور کافی و کامل، مقصود خویش را به سرانجام برساند.^{۱۰۱} «مؤثر بودن»، به «اجرا» و «تبعیت» از تصمیمات، وابسته است اما این واژگان، متمایز از یکدیگر است. عده‌ای از جمله جاکوبسن^{۱۰۲} و براون،^{۱۰۳} اجرا را مقوله‌ای می‌دانند که به شیوه یا اقدامی که توسط دولت، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی را به قواعد قابل قبول در حقوق داخلی آن‌ها تبدیل می‌کند مرتبط می‌شود؛ با این توضیح که برخی موافقت‌نامه‌ها «خوداجرا»^{۱۰۴} هستند بدین معنا که نیازی به قانونگذاری داخلی به‌منظور کارآمد شدن آن‌ها نیست. اما بیشتر معاهدات، نیاز به قانونگذاری داخلی جهت اثربخشی دارند. لکن تبعیت، امری فراتر از اجراست. به‌زعم اینان، تبعیت به این امر اشاره دارد که چگونه دولت‌ها از تعهدات بین‌المللی شکلی و ماهوی خویش پیروی می‌کنند بدون در نظر گرفتن آنچه قانونگذاری داخلی آن‌ها مقرر نموده است. از این رو، کارآمدی مفهومی مرتبط است که با تبعیت یکسان نیست زیرا فراتر از اجرا و تبعیت می‌رود و تا بدانجا پیش می‌رود که تعیین کند که آیا هنجار بین‌المللی، به مقاصد خویش دست یازیده است یا خیر.^{۱۰۵} لذا برخلاف عقیده عموم، تبعیت در سطح بالا، اشاره به کارآمدی قاعده ندارد و بالعکس آن نیز صادق است بلکه به نظر می‌رسد مؤثر بودن، فراتر از تبعیت است.^{۱۰۶}

96. *Dispute Settlement Body Special Session Minutes of Meeting - Held in the Centre William Rappard on 13 - 15 November 2002*, WTO DOC TN/DS/M/6 (31 March 2003) p. 5.

97. لازم به ذکر است که مکزیک در این خصوص، چهار راه‌حل برای حل این مشکل پیشنهاد کرده است: تشخیص زودهنگام زوال یا لطمه، تعیین معطوف به گذشته، اقدامات پیشگیرانه و جبران‌های قابل مذاکره. *Ibid.*

98. Compliance

99. Implementation

100. Effectiveness

101. Michelle Engel Limenta, *Non-compliance in WTO Dispute Settlement: Assessing the Effectiveness of WTO Retaliation from Its Purpose(s)*, Victoria University of Wellington, PhD Thesis, 2011, P. 76.

102. Jacobson

103. Brown

104. Self-executing

105. Jose E. Alvarez, "Forward Why Nations Behave" 1998, 9 *Mich J Int'l law* 19, p. 304; See Also: Harold K. Jacobson *A Framework for Analysis*, MIT Press, 2000, p. 20.

106. در این خصوص *راستیلا* معتقد است که زمانی که قاعده یا استاندارد، با رویه فعلی مطابقت دارد، تبعیت به‌صورت

در وهله نخست، تأثیر اصل کارآمدی در جبران‌ها، علی‌الخصوص در سیاق تعلیق تعهدات و امتیازات، درجه‌ای از اعتبار قاعده یا سازوکار مشخص را به ذهن متبادر می‌نماید. بدین منظور به قول گره‌ه‌ارت، ابتدائاً باید هدف قاعده مزبور یا استاندارد مورد بحث را تبیین کرد.^{۱۰۷} در مقابل، *توماس سباستین* استدلال می‌کند که در این موارد، محاسبه واقعی چگونگی استفاده، بر مقصود اقدامات تلافی‌جویانه تکیه ندارد.^{۱۰۸} به نظر می‌رسد باید هم‌داستان با بسیاری از صاحب‌نظران، بر مفهومی معتدل از کارآمدی تکیه کرد و آن را به میزانی دانست که تغییرات رفتاری مطلوب در مسیر حصول به اهداف و مقاصد یک قاعده ایجاد می‌کند.^{۱۰۹}

۲-۵. جبران‌های مؤثر و سازمان جهانی تجارت

اگرچه جبران‌های نهایی یا موقت که پیش‌تر از آن سخن به میان آمد، پیشرفت‌های قابل‌توجهی را برای اعضای سازمان جهانی تجارت سازمان جهانی تجارت به وجود آورده است، انتقاداتی نیز به این جبران‌ها وجود دارد؛ کما اینکه هیئت رسیدگی نیز در قضیه ایالات متحده - اصلاحیه بیرد اشعار داشت که «در صورت وجود یک «موضوع و هدف مشخص»، این امکان وجود داشت که از بخش عمده‌ای از موضوع تعلیق امتیازات مندرج در تفاهم‌نامه حل اختلاف که در این رسیدگی محمل یافت، اجتناب شود».^{۱۱۰} بنابراین در این خصوص، اعضای سازمان و داوران رسیدگی‌کننده به اختلاف، مسیر مبهمی در حل اختلاف دارند که این امر در تعیین و ارزیابی درجه کارآمدی بسیار مهم است.

با توجه به ایرادات موجود در قواعد سازمان و جبران‌های در دسترس اعضا در زمان طرح مسئولیت آن‌ها، محور بحث‌هایی که در خصوص نقد کارآمدی جبران‌ها و قواعد حل اختلاف مطرح شده، بدین شرح است که:

خودکار است اما این امر بدان معنا نیست که آن قاعده مؤثر نیز باشد. به‌طور نمونه، افراد به‌راحتی می‌توانند از محدودیت سرعت ۶۵ مایل بر ساعت تبعیت نمایند لکن اگر این سرعت، تصادفات را کاهش ندهد نمی‌توان اعتقاد بر مؤثر بودن آن داشت. برعکس، اگر محدودیت سرعت، به‌ندرت پیروی شود، اگر نفوذ کافی بر رفتار رانندگان وجود داشته باشد و تصادفات را کاهش دهد، وسیله مؤثری است. لذا مؤثر بودن، میان یک قاعده حقوقی و رفتار، ارتباط سببی ایجاد نمی‌کند و تبعیت نیز از رابطه سببی سخن نمی‌گوید بلکه صرفاً مطابقت میان رفتار و قاعده را تبیین می‌کند.

Kal, Raustiala, "Compliance and Effectiveness in International Regulatory Cooperation", 2000, 32, case w res *JIL*, p. 388.

۱۰۷. در این خصوص، ن.ک: به نظریات اندیشمندیان همچون Gerhart Levy, Young.

108. Thomas, Sebastian, "The Law of Permissible WTO Retaliation", in Chad Brown and Joost Pauwelyn (eds) *The Law, Economics and Politics of Retaliation in WTO Dispute Settlement* (Cambridge University Press, 2010) Pp. 124 - 125.

109. Raustiala, *op. cit.*, p. 363.

110. Michelle Engel Limenta, *op. cit.*, p. 13.

۱. فقدان شفافیت ماده ۲۲ تفاهم‌نامه: وجود مقاصد مختلف، یکی از چالش‌های این ماده است. بند ۲ ماده ۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف، به‌وضوح هدف از نظام حل‌وفصل را امنیت و پیش‌بینی‌پذیری نظام تجارت چندجانبه می‌داند اما هدف از اقدام تلافی‌جویانه را تبیین نمی‌کند و تفاهم‌نامه در این خصوص حاوی مطلبی نیست. شاید بتوان پاسخ به این ایراد را در حقوق بین‌الملل عام و به‌طور خاص در حقوق عرفی مسئولیت دولت‌ها جستجو کرد. به‌علاوه یافته‌های داوران در قضیه موز ۳ و اصلاحیه بیرد و برخی دیدگاه‌ها نیز می‌تواند این مقاصد را تشریح کند:^{۱۱۱}

الف) اجبار به تبعیت: از این امر در قضیه موز ۳ و سپس قضایای ایالات متحده - قانون ۱۹۱۶ ایالات متحده - اصلاحیه بیرد، برزیل - هواپیما و ایالات متحده - قمار، پیروی شد و تصریح شد که ماهیت موقت تعلیق امتیازات، اشاره به آن دارد که مقصود از اقدامات متقابل، «الزام به تبعیت» از مقررات است. به‌علاوه، عنوان شد که معیار کارآمدی، به طرفین این اختیار را می‌دهد تا در جستجوی تعلیق، جهت «تضمین» باشند زیرا تأثیر آن تعلیق، قوی است و به نتایج مطمح‌نظر، یعنی اجبار به تبعیت، نزدیک‌تر است.^{۱۱۲}

ب) غرامت: در قضایای فوق، قسمتی از استدلال داوران به این امر اختصاص داده شد که الزام به تبعیت، هدف انحصاری تفاهم‌نامه نیست. ایشان به موضوع تعلیق امتیازات و پرداخت غرامت اشاره کردند و آن را به‌عنوان «غرامت موقت» در نظر گرفتند.

ج) تعادل مجدد: بر اساس اصل تبادل منافع، مذاکرات نقش مهمی میان اعضای سازمان ایفا می‌کند. اندیشمندانی چون پالمتر و الکساندرو معتقدند که «دکترین الزام به تبعیت، مشروع لکن اشتباه است و از دیدگاه سیاسی نیز غیرعقلانه است. هدف اقدامات متقابل در سازمان، الزام به تبعیت نیست بلکه حفظ تعادل مبتنی بر تبادل منافع امتیازات تجاری مذاکره‌شده در موافقت‌نامه‌های سازمان است».^{۱۱۳}

د) تشویق بر نقض مؤثر: در این خصوص شوارتر و اسکایز، از منظر نظریه قراردادهای سیاسی و اجتماعی معتقدند که موافقت‌نامه‌ها، قراردادهای غیرکاملی فی‌مابین بازیگران سیاسی است و سنجش رفاه هر عضو، به‌صورت پولی و مالی امکان‌پذیر نیست اما رفاه سیاسی مقامات سیاسی آن‌ها امکان‌پذیر است. بنابراین، نیاز نیست از طریق ضمانت اجرای رسمی، الزام به تبعیت را در سطح بالایی محقق کنیم. در این خصوص دو مکتب فکری «الزام به تبعیت» و «تعادل

111. See: Joost Pauwelyn, "Calculation and Design of Trade Retaliation in Context: What is the Goal of Suspending WTO Obligations?" in Chad P. Brown and Joost Pauwelyn (eds) *The Law, Economic and Politics of Retaliation in WTO Dispute Settlement* (Cambridge University Press, 2010) 34, pp. 36 - 38 ("Calculation and Design of Trade Retaliation")

112. Limenta, p. 18.

113. *Ibid.*, p.15.

مجدد»، مباحث عمیقی را میان جودیث بلوو^{۱۱۴} و جان جکسون^{۱۱۵} مطرح کرده است.^{۱۱۶}

۲. معیار مناسب:^{۱۱۷} این موضوع بدان اشاره دارد که بند ۴ ماده ۲۲ تفاهم‌نامه «سطح برابر با زوال یا لطمه به منافع»^{۱۱۸} را به‌عنوان سقفی برای میزان تعلیق در نظر می‌گیرد اما مقرر شده مشابهی در بند ۲ ماده ۲۳ گات و بند ۱۰ ماده ۴ موافقت‌نامه یارانه‌ها وجود دارد که به نظر می‌رسد، محدودیتی بر سطح تعلیق وارد می‌سازد زیرا در این سند، از واژه «مناسب»^{۱۱۹} و نه «متناسب» بهره می‌جوید. لذا معیار مختلفی در موافقت‌نامه یارانه‌ها شکل گرفته که با سایر موافقت‌نامه‌ها متفاوت است. به‌طور نمونه در قضیه برزیل - هواپیما، هیئت رسیدگی با ارجاع به اصول حقوق بین‌الملل و طرح مواد مسئولیت دولت‌ها و با تکیه بر قضیه موز ۳ به این نتیجه رسید که علی‌الظاهر، اقدام متقابل در زمانی مناسب است که به‌طور مؤثری، الزام به تبعیت را ایجاد کند. لذا سطح اقدام متقابل متناسب، بر این مبنا نهاده شد که اقدام تلافی‌جویانه، اثر وسیله‌ای دارد. لکن به نظر می‌رسد تفسیر فوق با ماده ۵۱ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت دولت‌ها که تناسب را به‌عنوان اصل راهنما در نظر می‌گیرد^{۱۲۰} و همچنین رویه موجود و دکترین، تضاد داشته باشد زیرا مسئله این نیست که چگونه اقدام تلافی‌جویانه جهت الزام به تبعیت مؤثر باشد بلکه در واقع سؤال این است که آیا اگر تلافی «مبتنی بر تناسب»^{۱۲۱} نباشد، «مناسب» نیز نخواهد بود؟!

۳. ضمانت اجرا مبتنی بر تعهدات ارگاومنس: در قضیه ایالات متحده - شرکت‌های فروش خارجی، داوران بر اساس بند ۶ ماده ۲۲ تفاهم‌نامه تصریح کردند که ممنوعیت یارانه‌های صادراتی فی‌نفسه یک تعهد است. آن‌ها تأکید خویش را بر «وضعیت غیرقانونی یارانه‌های صادراتی» و اثری که این امر در برهم‌زدن تعادل، میان حقوق و تعهدات میان اعضا دارند بنا نهادند. داوران، یارانه‌های ممنوع صادراتی را مصداقی از تعهد ارگاومنسی و عام‌الشمول دانستند که به هر عضو تحمیل شده و عنوان داشتند که «ایالات متحده، تعهدات خویش را در قبال

114. Judith Bello

115. John Jackson

116. See: Judith Bello, "The WTO Dispute Settlement Understanding: Less is More" (1996) 90 *Am J Int'l L*, p. 416; See also: John H. Jackson, "The WTO Dispute Settlement Understanding- Misunderstandings on the Nature of Legal Obligations (responding to Bello's article)" (1997) 91 *Am J Int'l L*, pp. 60- 64.

117. Appropriateness standard

118. Equivalent to the Level of Nullification or Impairment of Benefits

119. Appropriate

۱۲۰. در قضایای داوری *تالیلا* و موافقت‌نامه سرویس هوایی نیز تصریح شد که مطابق ماده ۵۱ طرح مسئولیت دولت‌ها، اقدام متقابل، زمانی متناسب است که با ضرر متحمل، متناسب باشد. از این رو پالمتر و الکساندرو نیز تصریح کرده‌اند که نه حقوق بین‌الملل عام و نه طرح کمیسیون، با نظر داوران در قضیه برزیل هواپیما انطباق ندارد. *Ibid*

121. Proportional

جوامع اروپایی، در خصوص تمام مبالغی که هزینه کرده نقض نموده زیرا چنین هزینه‌ای در نقض، برای عمل متخلفانه بسیار ناچیز و ملموس است».^{۱۲۲}

۴. مجازات‌های سنگین‌تر به‌عنوان ضمانت اجرای تنبیهی: این امر در قضیه کانادا - هواپیما ۲ بدین شکل جلوه خارجی یافت که هیئت مربوطه تصمیم گرفت تا سطح اقدام تلافی‌جویانه را که بر مبنای میزان کلی یارانه‌ها به میزان ۲۰ بود، تعدیل نمایند.

اگرچه مجادلات نظری در این باب کماکان مفتوح است، نتیجه‌ای که در اینجا می‌توان گرفت آن است که هرچند اصل کارآمدی و مصادیق آن، در قواعد سازمان رسوخ یافته و در جبران‌های موقت و همچنین سازوکار شبه‌قضایی حل اختلافات اعضا، جایگاه والایی به خود اختصاص داده تا جایی که اصل مؤثربودن در موضوع مسئولیت اعضا نیز رسوخ یافته و در انتخاب جبران‌ها و میزان آن‌ها تأثیر مستقیم دارد لکن به علت سکوت یا اجمال قواعد سازمان در این حوزه، اعمال این اصل و کارکرد آن نیز مصون از انتقاد نمانده است.

نتیجه

در پژوهش حاضر، مهم‌ترین عواملی که در زمان طرح مسئولیت اعضای سازمان جهانی تجارت سازمان جهانی تجارت نمایانگر می‌شود، مورد مطالعه قرار گرفت. در این مجال، از منظر دکترین، رویه «شبه»قضایی سازمان، تحلیل مقررات حاکم بر موافقت‌نامه‌های تحت پوشش و در برخی موارد از طریق مطالعات تطبیقی، اهم زمینه‌های مرتبط با مسئولیت اعضا و نحوه جبران بررسی شد.

اصولاً زمانی که سخن از نقض موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت سازمان جهانی تجارت به میان می‌آید در وهله اول بدان معناست که تخلفی از قواعد اولیه سازمان، رخ داده یا اختلالی در منافع تجاری اعضا ایجاد شده یا در مواردی، باعث صدمه شده، بدون آنکه تعهدی نقض شده باشد. این مفهوم در قالب «زوال منفعت» یا «لطمه به منافع» یا عدم دسترسی به اهداف موردنظر موافقت‌نامه‌ها، مفهوم کلی است که باعث ایجاد رابطه خودکار و منظم میان دو یا چند عضو می‌شود: عضو متخلف یا ناقض و عضو متضرر یا شاکی. از این منظر، معیار تفکیک دو دولت عضو به شاکی و خاطی، ذیل عنوان زوال یا لطمه به منافع، نهفته است.

۱۲۲. در مقابل، عده‌ای با به‌کارگیری این مفهوم در قضیه فوق، آن را مشاجره رانگیز قلمداد نموده‌اند؛ هاوس و نیون بیان می‌دارند که «به احتمال زیاد، آنچه هیئت رسیدگی در ذهن محفوظ داشته، مفهوم یک «تعهد ارگاومنس جزئی» است. تعهد موصوف، تعهدی است که نه تنها ذمه هر عضو را به‌صورت فردی مشغول می‌کند بلکه به‌طور جمعی نیز بر تمام اعضا اعمال می‌شود. مع‌الوصف، ایشان تعهداتی را که به‌عنوان ارگاومنس در نظر گرفته شده، نپذیرفته‌اند و علی‌رغم اینکه نفع مشترک نیز در تبعیت وجود دارد، وضعیت اولیه اعضا را در مرحله حل اختلاف، قائم به هر عضو دانسته‌اند. Limenta, p. 21.

این معیار کلی، دست عضو متضرر را در انجام اقدام قانونی و مشروع علیه عضو متخلف، باز می‌گذارد که مآلاً باعث ایجاد مسئولیت عضو ناقص می‌شود. این امر در گات تا بدانجا پیش می‌رود که مطابق ماده ۲۳ سه نوع امکان را برای عضو شاکی امکان‌پذیر می‌داند. الف) شکایت‌های مبتنی بر ادعای نقض مقررات؛ ب) شکایت‌های مبتنی بر غیر نقض که در اینجا بدون آنکه تخلفی از موافقت‌نامه‌ها یا سایر تعهدات صورت پذیرد، اقدام عضو مربوطه باعث زوال یا لطمه به عضو دیگر می‌شود؛ ج) شکایت‌های موقعیتی که در هیچ‌کدام از طبقه‌بندی فوق نیست اما بالقوه این امکان را برای دولت عضو نگه داشته که هیچ‌گونه خسارتی بدون جبران نماند. لذا با الهام از مفهوم «زوال» و «لطمه به منافع»، دایره‌ای به وسعت هرگونه اقدام کشور عضو، ترسیم می‌شود و هر فعالیتی که معادله تبادل منافع میان دول عضو را تغییر دهد، محکوم به تخلف و نقض حقوق و منافع عضو دیگر می‌شود و در نتیجه بحث جبران‌ها را مطرح می‌سازد.

در این میان علل و عواملی که در این مقاله برشمرده شد، نقش بسزایی در تعیین محدوده حقوق عضو شاکی و میزان مسئولیت عضو خاطی و همچنین نحوه و چگونگی شیوه‌های جبران ایفا می‌کند. اصل تبادل منافع منبعث از اصول و قواعد سازمان و پروتکل‌های الحاقی اعضا - در پرتو اصل ملت‌های کامله‌الوداد و رفتار ملی - همچنین رعایت اصل تناسب در تعلیق تعهدات یا امتیازات یا استفاده جبران‌های یک‌جانبه تجاری و نیز چگونگی تفسیر موافقت‌نامه مربوطه و استفاده از اصول مسلم تفسیر، بیشترین نمود خارجی را در این حوزه دارند. از سوی دیگر، عنصر زمان نیز باعث می‌شود جبران‌ها در سازمان جهانی تجارت، ناظر به آینده باشد و نه گذشته. در خصوص اصل کارآمدی نیز آنچه مبرهن است این است که علی‌رغم وجود ضمانت اجرای مؤثر در سازمان جهانی تجارت، تجلی اصل کارآمدی در جبران‌های سازمان، محل انتقاد است و موافقان و مخالفانی دارد که شرح موضوع گذشت.

نتیجه آنکه عوامل برشمرده فوق از جمله مهم‌ترین زمینه‌هایی است که در تعیین و چگونگی مسئولیت اعضا تأثیر مستقیم دارد. این عوامل در نحوه و چگونگی اجرای موافقت‌نامه‌ها و توصیه‌های هیئت‌های حل اختلاف، اجتناب‌ناپذیر بوده و در تشخیص میزان ورود ضرر به اعضا نیز محوریت دارد. همچنین این عوامل در تعیین بار اثباتی دعوا و تفکیک عضو مسئول و قربانی مدخلیت دارد.

از سوی دیگر، اعضا یا هیئت‌های حل اختلاف یا رکن استیناف، همواره به زمینه‌های فوق توجه نموده و آن‌ها را در چارچوب یک نظم حقوقی درون‌سازمانی تفسیر و اجرا می‌کنند. این زمینه‌ها حتی در زمانی که اختلافات، خارج از سازوکار تفاهم‌نامه حل اختلاف و به شکل مرضی‌الطرفین حل‌وفصل می‌شود نیز مدنظر اعضای ذی‌نفع قرار می‌گیرد، به‌طوری‌که بر چگونگی محاسبات و معادلات آن‌ها تأثیر دارد.

منابع:

- فارسی

- امیدبخش، اسفندیار و سایرین؛ سازمان جهانی تجارت سازمان جهانی تجارت ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها، «مجموعه آموزش»، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵.
- اف. لوفلد، آندریاس؛ حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه: محمد حبیبی مجنده، جنگل، ۱۳۹۰.
- زمانی، سیدقاسم؛ «جایگاه اصل تناسب در سازمان جهانی تجارت»، پژوهش حقوق و سیاست، سال ۱۱، ش ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- بخش اطلاعات و روابط رسانه‌ای سازمان جهانی تجارت، تجارت در آینده (درآمدی بر سازمان جهانی تجارت)، ترجمه: محمدجواد ایروانی، چاپ دوم، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۳.

- انگلیسی

- Books:

- Arup, Christopher, *The New World Trade Organization Agreements, Globalizing Law through Services and Intellectual Property*, First Pub, Cambridge Press, (2001)
- Cass, Deborah, *The Constitutionalization of the World Trade Organization: Legitimacy, Democracy, and Community in the International Trading System*, Oxford: Oxford University Press, (2005)
- Charnovitz, Steve, *Should the Teeth be Pulled? An Analysis of WTO Sanctions, The Political Economy of International Trade Law* (2002).
- Engel Limenta Michelle, *Non-compliance in WTO Dispute Settlement: Assessing the Effectiveness of WTO Retaliation from Its Purpose(s)*, Victoria University of Wellington, PhD Thesis, (2011).
- Horlick, Gary, *Problems with the Compliance Structure of the WTO Dispute Resolution Process*, in D. Kennedy and J. Southwick, *The Political Economy of International Trade Law: Essays in Honor of Robert E. Hudec* (2002).
- Howse, Robert, *The Most Dangerous Branch? WTO Appellate Body Jurisprudence on the Nature and Limits of the Judicial Power*, World Trade Forum (2003).
- Pauwelyn, Joost, *Calculation and Design of Trade Retaliation in Context: What is the Goal of Suspending WTO Obligations?*, Cambridge University Press, (2010)
- Pierre, Pescatore, William J. Devey, and Andreas F. Lownfeld, *Handbook of WTO/GATT Dispute Settlement*, vol.1, (1997)

- Sato, Tetsuo, *Evolving Constitutions of International Organizations*, London: Kluwer Law International, (1996)
- Sebastian Thomas “The Law of Permissible WTO Retaliation”, in Chad Brown and Joost Pauwelyn (eds) *The Law, Economics and Politics of Retaliation in WTO Dispute Settlement*, Cambridge University Press, (2010)
- Trebilcock, Michal J. and Howse, Robert, *The Regulation of international Trade*, 2nd edition, London,(1999)
- Renouf, Alan, *A Brief Introduction to Countermeasures in the WTO Dispute Settlement System*, Key Issues in WTO Dispute Settlement: The First Ten Years (2005).

- Articles:

- Ehlermann, Claus-Dieter, “Reflections on the Appellate Body of the WTO”, 6 *J Int'l Econ L*, (2003).
- Grane Patricio, “Remedies under WTO Law”, *Journal of International Economic Law*, (2001)
- Mitchell Andrew, “Proportionality and Remedies in WTO Disputes”, *EJIL*, vol. 17 No. 5 (2006).
- Andenas mads and Zleptnig Stefan, “Proportionality: WTO Law”, in *Comparative Perspective*, Available at: <http://www.tilj.org/content/journal/42/num3/Andenas-Zleptnig>.
- Bermann, George, “The Principle of Proportionality”, 26 *American J. Comp. Law Supp.* (1977 - 1978).
- Cass Deborah, “The ‘Constitutionalization’ of International Trade Law: Judicial Norm- Generation as the Engine of Constitutional Development in International Trade”, 12 *European Journal of International Law* (2001).
- Desmedt Axel, “Proportionality in WTO Law”, *Journal of International Economic Law*, vol. 4
- Grieg, D.W., “Reciprocity, Proportionality, and the Law of Treaties”, 34 *Virginia J. Int'l Law* (1994).
- Kirk, Jeremy, “Constitutional Guarantees, Characterization and the Concept of Proportionality”, 21 *Melbourne U., Law Rev.* (1997).
- Mitchell Andrew D, “The Legal Basis for Using Principles in WTO Disputes”, *Journal of International Economic Law*, vol. 10, No. 4.
- Orakhelashvili, Alexander, “Questions of International Judicial Jurisdiction in the LaGrand Case”, 15 *Leiden Journal of International Law* (2002).
- Proportionality and Balancing in WTO Law: A Comparative Perspective, *EAIEL Policy Paper*, No. 2, November 2006. Available at:

[http://www.law.hku.hk/aiiflresearchdocuments/WorkingPaper2-AIIFL-EAIEL- Balancng WTO Law.](http://www.law.hku.hk/aiiflresearchdocuments/WorkingPaper2-AIIFL-EAIEL-Balancing%20WTO%20Law)

- Raustiala, Kal, “Compliance and Effectiveness in International Regulatory Cooperation”, 32, case *W Res JIL* (2000).
- Rufus Yerxa and Bruce Wilson, Key Issues in the WTO Dispute Settlement: The First Ten Years, *EJIL* 19 (2008)
- Van Damme, Isabelle, “Treaty Interpretation by the WTO Appellate Body”, *The European Journal of International Law, EJIL*, vol. 21 No. 3 (2010).

- Documents:

- J. Crawford, *The International Law Commission’s Articles on State Responsibility: Introduction, Text and Commentaries* (2002).
- Gabcíkovo, Nagymaros Project (Hungary / Slovakia) [1997] ICJ Rep 7
- Anderson, “Peculiarities of Retaliation in WTO Dispute Settlement”, 1 *World Trade Rev.* (2002) 123.
- United States Definitive Safeguard Measures on Imports of Certain Steel Products, WT/DS248.
- Panel Report, US Offset Act (Byrd Amendment), WT/DS217/R, WT/DS234/R, adopted 27 Jan. 2003,
- Appellate Body Report, US - Offset Act (Byrd Amendment), WT/DS217/AB/R, WT/DS234/AB/ R. adopted 27 Jan. 2003.
- United States - Definitive Safeguard Measures on Imports of Certain Steel Products, WT/DS248.
- Panel Report, United States - Sections 301 - 310 of the Trade Act of 1974 (US Section 301 Trade Act), WT/DS152/R, adopted 27 January 2000, DSR 2000: II.
- General Council, Request for an Authoritative Interpretation Pursuant to Article IX:2 of the Marrakesh Agreement Establishing the World Trade Organization, Communication from the European Communities, WT/GC/W/133, 25 Jan. 1999.
- General Council, Request for an Authoritative Interpretation Pursuant to Article IX:2 of the Marrakesh Agreement Establishing the World Trade Organization, Communication from the European Communities, WT/GC/W/143, 5 Feb. 1999.
- Ministerial Conference, Doha Declaration on the TRIPS Agreement and Public Health (adopted on 14 November 2001), WT/ MIN(01)/Dec/2 (20 Nov. 2001)
- United States Measures Treating Export Restraints as Subsidies WTO Doc WT/DSI 94/R, 2001.

- Dispute Settlement Body Special Session Minutes of Meeting Held in the Centre William Rappard on 13-15 November 2002, WTO DOC TN/DS/M/6 (31 March 2003).
- [www.wto.org/englishhttps://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.html](https://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.html)